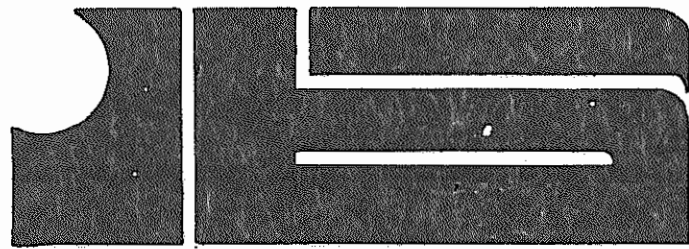


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سال سوم - چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰

((اثریت))

شماره ۱۲۱ - ۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

وقتی هر دم ایستاده اند خیانتکاران می گریزند

فرار بنی صدر

● تجلی اراده خلقهای ستمدیده ایران

فرار رجوی

● در بوزگی نفرت انگیز از امپریالیسم جهانی

وصیت نامه سعادت

● افشاگر کسانی که از خلق می گریزند!

در صفحه ۱۰

آقای رئیس جمهور!

آقای نخست وزیر!

خط سازش به زیر کشیده شد

اینک خط امام بایسد

به نیازهای مردم پاسخ دهد

" هیچ عذری برای ما نیست امروز ... شما باید خدمت کنید به این مردم - شما - ما همه باید خدمتگزار اینها باشیم و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم ... با هم دوست باشیم در ساختن کشور "

(امام خمینی)

در صفحه ۴

برای شکست ناپذیر ساختن انقلاب باید

قدرت اقتصادی طبقات ارتجاعی را

در هم شکست

تلاشهای خط امام برای تثبیت همه جانبه موقعیت خود در حکومت به نتیجه رسیده و انقلاب، خط سازش را از قدرت سیاسی به دور انداخته است. مهمترین تجربه انقلاب مشروطیت ناتوانی آن در درهم شکستن پایه های اقتصادی طبقات و نیروهای دشمن انقلاب بود که به مثابه دلیل اصلی شکست انقلاب مشروطیت اکنون باید مورد تاکید و آموزش قرار گیرد.

به مناسبت ۱۴ مرداد سالروز انقلاب مشروطیت در شماره آینده از این آموزش بزرگ سخن خواهیم گفت.

طبقه کارگر ایران خواهان

تثبیت قانونی شوراها

اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی را اجرا کنید

● تدوین قانون اساسی و آئین نامه ای که حقوق شورایی طبقه کارگر ایران را به رسمیت شناخته و در اساسی ترین خطوط خود بیانگر مضمون و حدود اختیارات واقعی شوراها باشد یکی از مبرمترین مسائل در زمینه مسائل کارگری میهنمان بوده است. این مقاله کوششی کرده است در برخورد با این مسئله بسیار مبرم میهنمان

در صفحه ۶

خاطره شهدای هفتم تیر ماه گرامی باد

در صفحه ۳

انقلاب " تروریسم " را درهم می شکند

● " آنچه را که آمریکا دوست ندارد باید مورد نفرت ما باشد و آنچه را که آمریکا از آن به بدی یاد می کند ، باید قدرش را بدانیم . " (شهید محمد منتظری)

موج جدید سرکوب و اختناق

در پاکستان

در صفحه ۱۷

متحد شوید!

نجات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

جمعه ۹ مرداد ماه در سراسر میهن انقلابی روز همبستگی با مردم ستمدیده و مبارز فلسطین . روز قدس با شکوه هرچه تمامتر برگزار شد .

طنین پرشکوه فریادهای " مرگ بر آمریکا - مرگ بر اسرائیل " در سومین سالگشت روز همبستگی با خلق فلسطین یکبار دیگر فضای میهنمان را عطرآگین ساخت و صفوف فشرده هم - میهنان مبارزمان در این روز اوج باشکوهی از پیوند مستحکم خلقهای مبارز فلسطین و ایران را به نمایش گذاشت . مردم میهنمان روز همبستگی و اتحاد با خلق ستمدیده فلسطین را در شرایطی برگزار کردند که خود در نبردی سرنوشت ساز با امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی و خارجی آن بسر می برند در شرایطی که در مرزهای جنوبی و غربی کشورمان همچنان مقاومتی سرسختانه و سرنوشت ساز را علیه رژیم تجاوزگر صدام ادامه می دهند .

بزرگداشت این روز در شرایطی برگزار شد که مردم مبارز و انقلابی فلسطین و لبنان شاهد ددمنشانترین و وحشیانه ترین حملات رژیم صهیونیستی و جنایتکار اسرائیل بودند . امام خمینی در پیامی به مناسبت این روز که بیانگر اعتقاد راسخ به همبستگی و همراهی با فلسطین قهرمان بود خطاب به ستمدیدگان جهان ندا دادند :

"هان ! ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی ، بپاخیزید و مقدرات خود را بدست گیرید تا کی باید قدس شما زیر چکمه تفاله های آمریکا و اسرائیل غاصب پایکوب شود "

و مردم انقلابی میهنمان با فریادهای : " برپا ، برپا ، با مسلسل ها ، سوی اسرائیل سوی آمریکا "

به این ندا پاسخ دادند . امام خمینی در پیام خود ضمن دفاع قاطع از حقانیت مبارزه مردم فلسطین سازشکاری ، تعلل و مامشات برخی از کشورهای منطقه را که تنها حرف می زنند ولی عمل نمی کنند را محکوم کرد و تاکید کردند که همبستگی و همراهی مردم ایران با مردم فلسطین تا رهایی قدس از چنگال خونچکان امپریالیسم و صهیونیسم باید ادامه یابد در سومین سالگرد گرامی داشت روز قدس با توجه به

روز قدس ، روز همبستگی با خلق فلسطین با شکوه هرچه تمامتر برگزار شد

برگزار شد

تاکی باید قدس شما زیر چکمه تفاله های آمریکا و اسرائیل غاصب پایکوب شود؟

نقش انقلاب ایران در منطقه و بویژه تاثیرات این انقلاب بر جنبش مقاومت فلسطین ضمن دفاع قاطع از حمایت جمهوری اسلامی ایران از خلق فلسطین لازم است بار دیگر بر آنچه که می تواند در زمینه گسترش و اتحاد و همبستگی دو خلق و نتیجتاً پیروزی خلق فلسطین مفید افتد تاکید نماییم .

آنچه که می بایست در این زمینه از جانب سازمان ما مورد تاکید قرار گیرد ، همانا تحکیم هرچه بیشتر همبستگی خلقهای مبارز فلسطین و ایران ، پیشبرد سیاستی واقع بینانه در تأیید و تقویت سازمان آزادیبخش فلسطین به مثابه تنها نماینده خلق قهرمان فلسطین و عزت شناخت و خنثی کردن دسائس امپریالیسم در تضعیف جنبشهای مقاومت منطقه و بویژه جنبش مقاومت فلسطین است .

واقعیت این است که سازمان آزادیبخش فلسطین به لحاظ پیوند عمیق و همه جانبه خود با خلق محروم فلسطین و نیز به لحاظ سالها مبارزه پیگیر و سرسختانه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و دفاع پیگیر از خواسته های برحق خلق فلسطین و از آنجایی که دربرگیرنده کلیه سازمان های سیاسی مترقی فلسطین است اکنون تنها سازمانی است که تجلی اراده خلق فلسطین و بیانگر واقعی خواست ها و منافع توده های محروم آن و نماینده برحق آنان است . به رسمیت شناختن این سازمان از جانب کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان ، از جانب کشورهای غیرمتعهد و رژیم های مترقی و انقلابی منطقه و نیز از جانب سازمان ها و جنبش های رهایی بخش منطقه و جهان دلیلی محکم بر حقانیت واقعی این سازمان به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین است . رژیم جمهوری اسلامی تاکنون آنگونه که شایسته است بر این واقعیت نایستاده است و حمایت از این سازمان در سیاست خارجی ما نمودی

آشکار نیافته است . رژیم جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهد به آرمان رهایی قدس پای بند باشد ، اگر بخواهد بگونه ای قاطع و بدون تزلزل یار و یاور و مدافع خلق فلسطین باشد ، اگر مایل است که دیگر قدس " زیر چکمه تفاله های آمریکا و اسرائیل غاصب پایکوب " نشود . می بایست بدور از هر گونه تنگ نظری و ملاحظه کاری های نادرست ، این سازمان را به عنوان تنها نماینده خلق مبارز فلسطین به رسمیت بشناسد . نادیده گرفتن نقش این سازمان پر سابقه و مبارز که در برگیرنده تمامی جریانات ترقی خواهانه و انقلابی است و تاکید و کمک رسانی به جریانات مشکوک ، بدنام و ناپسندی مانند "امل" که فاقد هرگونه پشتوانه توده ای در میان توده های فلسطین و لبنان است جز خدشه دار کردن جمهوری اسلامی نتیجه ندارد . از سوی دیگر طرح مسئله شیعه و سنی که مدت ها است به گونه های مختلف از طرق رسمی و غیر رسمی مورد تاکید قرار می گیرد نیز جز تضعیف جنبش مقاومت فلسطین و فراهم آوردن زمینه های لازم برای بهره گیری صهیونیسم هیچ ثمره دیگری نخواهد داشت . تجربه نشان داده است که دود اعمال این سیاست ها و این برخوردها گرچه با نیت خیر و زیر شعار همبستگی و اتحاد باشد تنها به چشم خلق های رزمنده منطقه به ویژه خلق رزمنده فلسطین خواهد رفت و در نهایت تنها به سود امپریالیسم و صهیونیسم تمام می شود . هیچ نیازی به توضیح نیست که چگونه امپریالیسم و صهیونیسم اکنون تمامی تلاش خود را به کار گرفته اند تا موقعیت سازمان آزادی بخش فلسطین را به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین زیر علامت ستوال برده و نیز با علم کردن اختلافات مذهبی و عقیدتی موجبات تحلیل

بردن و اضمحلال جنبش مقاومت فلسطین را فراهم آورد . باید توجه داشت که امپریالیسم و تمامی دشمنان ریز و درشت انقلاب ایران می گویند با بهره گیری از پاره ای ابهامات در سیاست رژیم جمهوری اسلامی ایران نسبت به سازمان های مترقی فلسطین و آزادی بخش فلسطین ، جمهوری اسلامی ایران را رژیمی مخالف آرمان فلسطین نشان دهند و بدین گونه موقعیت و وجهه سیاسی این رژیم را در نزد افکار عمومی جهان و به ویژه مردم منطقه خدشه دار نمایند . غلبه بر این ابهامات و دفاع از جنبش و سازمان آزادی بخش فلسطین علاوه بر تحکیم روابط خلق های ایران و فلسطین و تقویت موضع نیروهای مترقی در سطح منطقه ، همچنین به بهترین شکلی این حربه تبلیغی امپریالیسم را خنثی ساخته و بدین طریق گام دیگری در مزروی کردن امپریالیسم در

سطح منطقه برداشته خواهد شد . حمایت از خلق فلسطین از هر طریق ممکن منجمله با ابتکار برگزاری روز قدس و سازماندهی تظاهرات میلیونی توده ای که مورد حمایت بی دریغ هم میهنان مبارزمان است می بایست با رفع این ابهامات و کار بست سیاستی حمایتی و قاطع از سازمان آزادی بخش فلسطین عرصه های بازهم گسترده تر و ژرف تری یابد . قلب های پاک زحمتکشان میهنمان که بر از عشق و محبت به خلق فلسطین و ملو از کینه و نفرت از امپریالیسم و صهیونیسم است به یکسان برای انقلاب میهنمان و رهایی فلسطین و پیروزی بر رژیم اشغالگر قدس می تپد . امپریالیسم فرو می پاشد ، صهیونیسم نابود می شود . بر ویرانه های فلسطین جامعه نوینی برپا می گردد . این صدای تاریخ است . درخشش خیره کننده دنیای نوینی که برپا می گردد . فریاد پیروزمند جنبش جهانی طبقه کارگر و خروش ظفرمند جنبش های رهایی بخش جهان طنین بر صلابت و امید بخش این نوید را به گوش ستم دیدگان جهان می خواند : امپریالیسم فرو می پاشد ، صهیونیسم نابود می شود ، بر ویرانه های فلسطین جامعه نوینی برپا می گردد . روز قدس بر زحمتکشان ایران ، فلسطین و جهان مبارک باد .

رفیق اکثریتی

توسط دادگاه انقلاب تبریز اعدام نشده است

در شماره ۱۱۹ نشریه کار خبری در مورد اعدام فدائیان خلق (اکثریت) به فرمان حکام شرع به شهر و سنجندج درج شده بود که در تیتیر خبر از حاکم شرع دادگاه تبریز نیز به عنوان فردی که حکم اعدام در مورد رفقای ما صادر کرده بود نام برده شده بود بدین وسیله اعلام می شود که به همان گونه که در متن خبر نیز آمده بود هیچ رفیق اکثریتی توسط دادگاه درج شده بود که در تیتیر خبر از حاکم شرع دادگاه تبریز نیز به عنوان فردی که حکم اعدام در مورد رفقای ما صادر کرده بود نام برده شده

غلط

صحیح

فرمان حکام شرع به شهر و سنجندج فدائیان خلق (اکثریت) یعقوب بردانی شفیع رضانی خسرومائی علی اکبر حیدریان محمود فضلی به جوخه اعدام سپرده شدند

فرمان حکام شرع به شهر و سنجندج فدائیان خلق (اکثریت) یعقوب بردانی شفیع رضانی خسرومائی علی اکبر حیدریان محمود فضلی به جوخه اعدام سپرده شدند

خاطره شهدای هفتم تیرماه گرامی باد

انقلاب "تروریسم" را درهم می شکند



در پایان این هفته ، مردم قهرمان میهنمان ، چهلمین روز شهادت بیش از ۷۰ تن از فرزندان خود را که قربانی توطئه آمریکایی بمبگذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی شده و به شهادت رسیدند ، گرامی می دارند .

امپریالیسم جهانی که از انقلاب شکوهمند مردم ما زخم های مهلکی برداشته است ، بعد از عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری ، تاکتیک سرکار آوردن " دولت میانه رو در ایران " را شکست خورده یافت و به سوی تاکتیک ترور و تخریب رو آورد . آمریکا ، با پراکنده شدن جبهه متحد "خط سازش" توسط توده های حاضر در صحنه ، دریافت که حداقل تا مدت ها نمی تواند روی کار آئی سیاسی "جبهه براندازی" حساب کند . و لذا سیاست خود را در جهت گسترش تفرقه ، ایجاد بی ثباتی و دامن زدن به ناآرامی ها ، ایجاد عدم امنیت و به طور کلی فراهم آوردن مجموعه شرایطی که زمینه را برای یک جنگ داخلی و دخالت مستقیم نیروهای "واکنش سریع" در ایران مهیا می کند ، سمت داد . و ناگفته روشن است که اقدام عملی جهت پیاده کردن چنین سیاستی ، مقدم بر همه و بیش از همه دامن زدن به تروریسم لجام گسیخته و ایجاد و گسترش جو ترور و ارباب بود . از همین رو ، آمریکا و تمامی عمال آن ، با تبلیغات و اقدامات سازمان یافته کوشیدند و امروز نیز با به کار گرفتن همه نیروی اهریمنی شان می کوشند تا نیروی همه جریانات چپ رو و چپ نمای ضد جمهوری اسلامی در درون کشور را ، دقیقاً در جهت تاکتیک کنونی خود یعنی تروریسم ضد انقلابی سمت دهند و بدین ترتیب همه آنها را زیر پرچم "تروریسم" گرد آورد .

حادثه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را هم هفتاد تن از مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی گردید ، باید در رابطه با توطئه جدید امپریالیسم مدنظر قرار داد . شهیدان این فاجعه دلخراش از آیتاله دکتر بهشتی ، مهندس کلانتری و ... تا انقلابی پر شور محمد منتظری ، همگی در این جنایت جان خود را از دست دادند اما ، با مرگشان بیش از پیش در دل توده های قهرمان ایران ، جای گرفتند . بسیاری از کسانی که در این حادثه به شهادت رسیدند ، در گسترش و تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی و سمت دهی موج تعرضی انقلاب علیه امپریالیسم جهانی و به ویژه "شیطان بزرگ" آمریکا ، و نیروهای خط سازش ، نقش و سهم شایانی داشتند که در میان آنان می توان از شهید محمد منتظری ، به عنوان یک نمونه برجسته و درخشان یاد کرد . کسی که ، امام در پیام شان به آیتالله منتظری به مناسبت شهادت فرزند "فداکار و متعهدشان" از او چنین یاد می کنند : "محمد شما و ما ، خود را وقف هدف کرد و برای پیشبرد آن سرازپانی شناخت"

شهید محمد منتظری در سال ۱۳۲۳ در یک خانواده روحانی در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد . پدر بزرگ وی ، کشاورز زحمتکشی بود که محمد با کار در مزرعه به همراه او ، با مصائب و آلام زحمتکشان محروم روستا آشنا شد . اما او زمانی با درد و رنج توده های محروم ، آشنائی بیشتری یافت که به کار در کارگاه های قاشق و چنگال سازی پرداخت . بر اثر همین موقعیت طبقاتی و نحوه زندگی از یک سو و گرایش های سیاسی مبارزاتی

خانواده و به ویژه پدرش ، آیتاله منتظری ، از سوی دیگر بود که شهید منتظری در جریان تحصیل در حوزه علمی قم ، قدم در میدان مبارزات سیاسی با رژیم آمریکایی شاه گذاشت . تحمل شکنجه دژخیمان ساواک و تجربه اندوزی در سیاهچال های رژیم شاه ، از محمد منتظری یک انقلابی پر شور تربیت کرد که تبلور این شور انقلابی در اتخاذ مواضع ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی قاطع او ، به خوبی نمایان بود . او در جریان مبارزه علیه رژیم دست نشانده امپریالیست ها در ایران و بعدها با شرکت مستقیم در مبارزه مردم قهرمان فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیست ها ، به این حقیقت دست یافته بود که برای درهم شکستن جبهه ضد انقلابی امپریالیسم و صهیونیسم و تمام مرتجعین دست نشانده امپریالیست ها ، اتحاد همه نیروهای انقلابی جهان یک ضرورت اجتناب ناپذیر است . خود او در طی مصاحبه های در بیروت ، به خبرنگاران گفت : "کلیه مستضعفین در کنار هم علیه استعمارگران هستند و از نظر آنان هیچ فرقی بین نژادها و خلق و مذهب نیست . ما نه تنها به لبنان نیرو می فرستیم بلکه در کلیه جبهه های انقلابی علیه امپریالیسم مبارزه خواهیم کرد ."

و در اعلامیه صادره در تاریخ ۶ آذرماه ۵۸ تأکید کرد که "طبیعی است که نیروهای انقلابی نقش بین المللی خود را نمی توانند نادیده بگیرند . صهیونیسم و امپریالیسم در سطح گسترده جهانی به تخریب و غارتگری و فساد اشتغال دارند و نیروهای حق طلب در سطح جهانی ضربه های تعیین کننده خود را وارد می سازند ."

شهید منتظری که از روحانیون مبارز و صدیق پیرو

خط امام بود بر اثر تاءکید بر مواضع انقلابی و ضد امپریالیستی خود ، ضرورتاً رو در روی سیاست های سازشکارانه دولت موقت قرار گرفت . او سیاست های خارجی دولت موقت لیبرال ها را که بر اساس ضدیت با جنبش ها و کشورهای انقلابی منطقه نظیر سازمان آزادی بخش فلسطین و حکومت انقلابی لیبی و ... ، و دوستی با کشورهای مرتجع منطقه نظیر حکومت آمریکائی ضیاءالحق و بالاتر از آن سیاست نزدیکی و دوستی با کشورهای امپریالیستی و حتی ، دشمن اصلی مردم ما ، امپریالیسم آمریکا ، بود ، به شدت مورد حمله قرار داد و بارها در سخنرانی های خود نشان داد که این سیاست خارجی ، در واقع انعکاس و ادامه طبیعی همان سیاستی است که در داخل کشور به جای اتکاء به توده های محروم ، به سرمایه داران و فئودال ها تکیه کرده و در جهت خواست های آنان حرکت می کند .

منتظری پیرامون سیاست خارجی " دولت موقت بازرگان " در همان زمان نوشت : " آنها می خواهند انقلاب لیبی را با ساخته و پرداخته های فالتزنیست های لبنانی و العمل و صهیونیست های لبنانی چون پیرجمیل و کمیل شمعون و کاظم الخلیل معاون وی به اتهام ربودن امام موسی ضربت ها زنند ... چرا این همه ضربت ها به انقلاب منطقه در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی به اسم مردم ایران ؟"

لیبرال ها که می دانستند هر گاه منتظری ها و اعتقادات انقلابی آنان ، سیاست حاکم بر جمهوری اسلامی باشد ، دکانشان از رونق خواهد افتاد ، از طریق همه ارگان های تبلیغاتی رسمی و غیر رسمی خود وقیحانه کوشیدند تا بر این انقلابی پر شور ، بر چسب "دیوانگی" بزنند ! مردم ایران فراموش نکرده اند و نخواهند کرد که جاسوس آمریکائی ، امیرانتظام ، و دیگر همپالگی های آن چه تلاشی در کوبیدن محمد منتظری به کار بردند . تلاشی که امام خمینی ، آن را در پیام شان به آیتاله منتظری ، باین گونه بیان داشتند : " او عمری در زجرها و شکنجه ها

و از آن بدتر شکنجه های روحی از طرف بدخواهان بسربرد . اما ، تمام تلاش های خائنانه لیبرال ها در به سازش کشاندن انقلاب ، با طغیان ضد امپریالیستی مردم قهرمان میهنمان رو برو شد و در جریان اشغال مرکز الهام آنان یعنی سفارت آمریکا ، توسط دانشجویان خط امام در هم شکست . از این به بعد بود که شهید منتظری نقش واقعی تر و شایسته تری در جمهوری اسلامی ایران باز یافت . با به پای پیشرفت و تعمیق انقلاب ، محمد منتظری حضور فعال تری در کانون ها و مراکز تصمیم گیری یافت . در اواخر سال ۵۸ ، از طرف مردم نجف آباد به پاس مبارزات وقفه ناپذیرش علیه رژیم آمریکائی شاه و به ویژه به این علت که زبان گویای آنها در مبارزه قاطع با امپریالیسم و لیبرال های سازشکار بود ، از طرف مردم نجف آباد به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد . در سال ۱۳۵۹ مسئولیت ستاد برگزاری روز قدس را به عهده گرفت و نقش شایسته ای در برگزاری تظاهرات ضد صهیونیست مردم ایران ایفاء کرد . او بعدها از طرف نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی ، به عنوان نماینده مجلس در شورای عالی دفاع برگزیده شد . و بر بستر تعمیق و گسترش بازمه بیشتر انقلاب ، می رفت که به موقعیت های باز هم والاتری دست یابد .

او به عنوان یکی از چهره های قاطع ضد لیبرالی ، در متلاشی کردن جبهه متحد لیبرال ها که حول بنی صدر گرد آمده بودند نقش قابل توجهی ایفاء کرد و دو روز قبل از شهادتش در سخنرانی قبل از ایراد خطبه های نماز جمعه در تهران ، سخنرانی افشاء کننده و توضیح گرانه ای قابل تحسینی به عمل آورد و در همین سخنرانی بود که گفت : " جریان آمریکا هنوز در این کشور وجود دارد و بایستی با تمام نیرو تا محو کامل آن ، با آن مقابله شود ."

سرانجام در روز هفتم تیرماه ، در جریان انفجار دفتر مرکزی ، محمد منتظری به شهادت رسید . با آن که مردم ایران فقدان او

آقای رئیس جمهور! آقای نخست وزیر!

خط سازش به زیر کشیده شد

اینک خط امام باید به نیازهای مردم پاسخ دهد.

"هیچ عذری برای ما نیست امروز... شما باید خدمت کنید به این مردم - شما - ما همه باید خدمتگذار اینها باشیم و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم... با هم دوست باشیم در ساختن کشور"

(امام خمینی)

عزل بنی صدر و انتخاب محمدعلی رجایی به عنوان رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران ، گامی بس مهم و تاریخی در شکست خط سازش با امپریالیسم و غلبه کامل نیروهای ضد امپریالیست خط امام در تمامی مواضع قدرت بود .

هم دولت بازرگان و هم بنی صدر و دفتر ریاست جمهوری او ، نماینده خط سازش با امپریالیسم بودند بازرگان و شرکا و هم بنی صدر و شرکا هردو می کوشیدند با تضعیف نیروهای خط امام و تقویت مواضع خود از بالا و پائین قدرت را در دست خویشتن قبضه کنند و خط سازش را بر خط امام غلبه دهند .

آنها در داخل از جانب زمینداران بزرگ ، خوانین مرتجع ، روحانیت مرتجع سرمایه داران و تجار بزرگ حمایت می شدند و در خارج نیز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تمامی تلاش خود را برای تاثیرگذاری بر روند حوادث در داخل و غلبه نیروهای فوق به کار می برد . لیکن با وجود همه تلاشهای مذبحخانه و دسیسه های ضد انقلاب داخلی و خارجی و شرکای مائوئیست و چپرو و آنارشیست آنها ، نیروهای ضد امپریالیست خط امام که مورد حمایت اکثریت توده های مردم و نیروهای انقلابی وفادار به جمهوری اسلامی بوده و هستند موفق شدند درست در لحظاتی که نیروهای سازشکار پیروزی را

خواهد ساخت ، لیبرالها ، سازشکاران ، روحانیون ضد انقلاب و همه گرایش های ضد انقلابی جملگی از یک آخور تغذیه می شوند و آن هم همانا پایگاه اجتماعی نیرومندی است که در تداوم انقلاب مرگ خود را می بیند هرگز و در هیچ کجای

جهان حتی یک مورد نیز پیدا نمی شود که بدون نابودی پایگاه های فوق گرایش های ضد انقلابی نابود شده باشند تا این بستر مناسب وجود دارد ، لیبرالیسم و سازشکاری اگر هزار بار هم سرکوب شود باز سر خواهد کشید و برای بلعیدن انقلاب و ثمرات آن دهان باز خواهد کرد ، برعکس هرکجا که این بستر مناسب از میان رفته باشد ، گرایش های ضد انقلابی و حاملین آن به سرعت نابود شده اند ، و اگر هم امپریالیست ها و ایادی آن در صدد شکست انقلاب برآمده اند توده های وسیع مردمی که در تداوم انقلاب ، در نابودی زمینداران بزرگ ، نابودی سرمایه داران و تجار بزرگ ، سعادت ، رفاه و آزادی خود را دیده اند قاطعانه به دفاع از انقلاب و حکومت برخاسته و پوزه امپریالیسم را به خاک مالیده اند ، این قانون گریز ناپذیر و مسلم انقلاب است . عکس آن نیز صادق است وقتی مردم در ادامه حمایت خود از حکومت و انقلاب ، نابودی استثمارگران و چپاولگران و آزادی و رهایی خود را از قید ستم و استثمار نبینند ، حمایت از حکومت و انقلاب به تدریج کاهش خواهد یافت ضد انقلاب قدرتمند می گردد و سرانجام انقلاب شکست می خورد .

آقای رئیس جمهور ! با توجه به همین واقعیت های مسلم و گریز ناپذیر است که امروز هر

ایرانی انقلابی و مدافع استقلال میهن ، هر ایرانی مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی که با آگاهی به مسائل می نگرد خواستار انجام اصلاحات اساسی و عمیق در جهت دفاع از منافع توده های محروم جامعه ما که اکثریت قاطع جمعیت این کشور را تشکیل می دهند ، می باشد . این اصلاحات بزرگترین ضربه بر پیکر امپریالیسم و متحدان داخلی آن است و تنها همین اصلاحات است که قبل از هر چیز انقلاب را شکست ناپذیر می سازد و توده های محروم منطقه و جهان را هرچه بیشتر به سوی انقلاب شکوهمند ما جلب می کند . از همین رو است که اکنون همه امید امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن است که این اصلاحات انجام نشود آقای رئیس جمهور ! آقای

نخست وزیر ! این اصلاحات حیاتی تا کنون به دو دلیل زیر انجام نشده است یکی به دلیل وجود نسبتا نیرومند نمایندگان خط سازش در قدرت و دیگری به دلیل برخی تزلزلات و مسامحه کاری های نیروهای خط امام .

امروز دلیل نخست دیگر به مقدار زیادی در کار نیست هرچند که به کلی از میان نرفته و هم اکنون در پوشش ها و رنگ های دیگری در برابر انجام اصلاحات فوق که شرط حیاتی تداوم انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی ایران است مقاومت می کند .

دلیل دوم یعنی تزلزلات نیروهای خط امام کم و بیش پای برجای است با این تفاوت که امروز نیروهای خط امام بیش از هر زمان به تجربه انقلابی خود دریافته اند که چنین

اصلاحاتی حیاتی و ضروری است

امام خمینی در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری به آقای رجایی چنین می گوید : " ... امروز دست همه باز است مجلس دستش باز است و هیچ کس آقا بالاسر او نیست . دولت هم دستش باز است و مجلس هم تاییدش می کند ، رئیس جمهور هم دستش باز است و ملت تاییدش کرده اند ، هیچ عذری برای ما نیست امروز اگر چنانچه یک خرابی در مملکت واقع بشود و دنبال اصلاحش نرویم عذری نداریم همه ما چه آنهایی که لشکری هستند و اینجا هستند و نیستند و چه آنهایی که در کشور خدمت می کنند و چه مردم دیگر همه ما مسئول هستیم ... "

و به راستی که چنین است . امروز دیگر نیروهای خط امام با طرد نیروهای سازشکار از قدرت می توانند در جهت خواسته های انقلاب حرکت کنند و در این راه هیچ عذری پذیرفتنی نیست . و همان گونه که امام در سخنرانی خود گفتند اینک :

" شما باید برای این پاپرهنگها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند نگار کنید ، شما باید خدمت کنید به این مردم شما - ما - همه باید خدمتگذار اینها باشیم و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم "

می توان گفت که از انقلاب بهمین تاکنون ، امروز شرایط برای انجام اصلاحات از هر زمان دیگری مناسب تر است و ما تاکید می کنیم که چنین اصلاحاتی امروز از هر زمان حیاتی تر و ضروری تر است .

با توجه به همه این واقعیات است که ما فرصت انتخاب آقای محمدعلی رجایی به ریاست جمهوری و فرصت معرفی دولت جدید را مغتنم شمرده و بار دیگر اصلاحات حیاتی و ضروری را که امام در مراسم تنفیذ به آن تاکید کردند ، برمی شماریم ۱ - اقدامات اساسی در جهت ملی شدن تجارت بقیه در صفحه ۵

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

بقیه از صفحه ۴

آقای رئیس جمهور! آقای نخست وزیر! ..

تداوم انقلاب تفاهم هرچه بیشتر میان نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی و وحدت خلق ما است. هرگونه گرایش مخالف آزادی‌های سیاسی و صنفی نیروهای مردمی، موجب تفرقه و تضعیف جبهه نیروهای وفادار به انقلاب و تقویت نیروهای مخالف گسترش و تعمیق انقلاب می‌گردد چنین گرایش‌هایی هرگاه غلبه یافته و تداوم یابند شکست انقلاب را در پی خواهند داشت.

۴ - اتخاذ سیاست خارجی ترقیخواهانه شرط لازم برای تداوم انقلاب و تقویت جمهوری اسلامی است.

یکی از مسائل حیاتی انقلاب ایران، مساله سیاست خارجی است. ما تا رسیدن به مرحله خود کفایی نسبی صنعتی و کشاورزی و غیره راه درازی در پیش داریم. برای ایجاد صنایع زیربنایی و دگرگونی‌های اساسی در وضعیت کشاورزی که نخستین سنگ بنای خود کفایی است باید از آخرین دستاوردهای امروز جهان و از پیشرفته‌ترین ابزار و فنون صنعتی جهان بهره‌گیریم بدون چنین کاری نه تنها انقلاب نخواهد توانست به هدف‌های خود دست یابد، بلکه هر لحظه تامل و تاخیر در انجام آن استقلال ما را با خطرات جدی قرین می‌سازد. بهره‌گیری از صنایع پیشرفته، وسایل ابزار و فنون صنعتی و کشاورزی پیشرفته جهان امروز به گونه‌ای که ضامن تحکیم استقلال و آزادی میهن ما و تداوم و تعمیق انقلاب ما باشد، به گونه‌ای که منافع و مصالح کارگران و زحمتکشان و همه اقشار دیگر مردم مبارز ایران را در نظر داشته باشد فقط از طریق همکاری متقابل با کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای ترقیخواه جهان می‌تواند تامین گردد تلاش برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با دول امپریالیستی جهان، چه آمریکا، چه اروپای غربی و چه ژاپن به زیان انقلاب و

خارجی و کوتاه کردن دست همه سرمایه‌داران بزرگ از صنایع وضعیت کنونی تجارت خارجی و صنایع بزرگ یکی از علل اساسی گرانی و بیکاری است. باید هرچه زودتر نخستین گام‌های اساسی برای ملی کردن تجارت خارجی برداشته شود و دست سرمایه‌داران بزرگ از صنایع کوتاه گردد. و به کمک خلاق زحمتکشان و همکاری دولتهای مرفقی و دوست انقلاب و استقلال ایران، گام‌های مقدماتی برای ساختن صنایع مادر و زیر-بنایی که ضامن رشد نیروهای تولید ملی، استقلال اقتصادی و کاهش بیکاری است برداشته شود.

۲ - بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی اجرا شود اصلاحات ارضی واقعی به گونه‌ای که بتواند شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" عملی سازد از هدف‌های مهم انقلاب ما است. در این زمینه اجرای هرچه سریعتر بند "ج" و بند "د" اصلاحات ارضی اهمیت حیاتی دارد و میلیون‌ها دهقان زحمتکش ایرانی را در دفاع از انقلاب مصمم تر و متشکل تر می‌سازد متأسفانه جمهوری اسلامی ایران تاکنون هیچ اقدام اساسی در زمینه اصلاحات ارضی نکرده و اجرای بند "ج" و "د" مرتباً به تاخیر افتاده است. به علاوه تامین نیازهای دهقانان و خرده مالکان به وام، ماشین‌آلات کشاورزی، سموم دفع آفات نباتی، کودهای شیمیایی و تضمین خرید محصولات آنان می‌تواند ضامن رشد تولیدات کشاورزی، کاهش گرانی و بیکاری و جلب وسیع تر توده‌های مردم به انقلاب گردد.

۳ - آزادی فعالیت‌های سیاسی و صنفی باید تضمین شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، آزادی سیاسی و صنفی مردم ایران به رسمیت شناخته شده است. این آزادی‌ها از هدف‌های اساسی انقلاب بوده و ضامن

در جهت مخالف آن است. سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران از هنگام عزل بنی‌صدر و تصدی آقای محمدحسین موسوی به وزارت امور خارجه شاهد تحولات مثبت بوده است اما این سیاست هنوز با یک سیاست صریح و روشن ترقیخواهانه که منطبق با مصالح انقلاب باشد فاصله دارد.

اتحاد با دول ترقیخواه عرب، حمایت از سازمان آزادیبخش فلسطین به مثابه تنها نماینده قانونی مردم فلسطین که مورد شناسایی همه نیروها و دول ترقیخواه جهان است و نیز جهت‌گیری مثبت و انقلابی در قبال دول سوسیالیستی جهان، امروز ضرورت حیاتی انقلاب و استقلال ایران است و می‌باید سنگ زیربنای سیاست خارجی ما باشد.

۵ - اتحاد همه نیروهای ترقیخواه و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی شرط ضروری پیشرفت انقلاب است.

امام خمینی در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری آقای محمدعلی رجایی در این زمینه چنین می‌گوید:

باید همه‌مان نسبت به هم محبت داشته باشیم و در محیط دوستی خدمت به مملکت بکنیم. دشمنی برای چی؟ چرا باید با هم دشمن باشیم؟ با هم دوست باشیم در ساختن کشور.

ما بارها گفته‌ایم که برای غلبه بر همه مشکلاتی که سر راه انقلاب وجود دارد، برای طرد سیاست‌های سازشکارانه و پیشبرد سیاست‌های داخلی و خارجی منطبق با مصالح مردم و انقلاب همه نیروهای متحد شوند. بهترین شکل این اتحاد تشکل همه نیروهای ضد امپریالیست و مدافع جمهوری اسلامی در یک جبهه واحد ضد - امپریالیستی است تفرقه و تشتت میان نیروهای مدافع انقلاب آن هم در شرایطی که حساسیت امروز، در شرایطی که ارتجاع منطقه با حمایت کامل امپریالیست‌ها و همچنین متحدین داخلی آن جنگی علیه انقلاب ایران متحد شده‌اند، به مخالفان داخلی و خارجی انقلاب فرصت می‌دهد که طرح‌های

خود را به اجرا گذارند و سیاست‌های خود را به پیش برند. بر این اساس مبارزه علیه تمایلات قشری و تنگ - نظرانه‌ای که اساساً با درک ضرورت حیاتی وحدت همه نیروهای ضد امپریالیست و مدافع جمهوری اسلامی بیگانه است، قطعاً باید بطور پیگیر و جدی و به گونه‌ای که نه در خدمت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داران، بلکه در خدمت تصحیح سیاست نیروهای خط امام و تقویت وحدت نیروهای ترقیخواه و مدافع جمهوری اسلامی گردد

دنبال شود. دولت جمهوری اسلامی باید با همکاری همه نیروهای ترقیخواه ایران برنامه‌ای که دربرگیرنده موارد ذکر شده در بالا باشد تدوین و به پیشگاه مردم ایران ارائه کند و با همکاری همه نیروهای وفادار به انقلاب آن را به اجرا گذارد. امروز چنین برنامه‌ای در جلب اعتماد بیشتر توده‌ها به انقلاب و جلوگیری از انفعال، سرخوردگی و شکست همه جریان‌های طرفدار و متحد غرب، ضرورت حیاتی دارد.

تلگرام دانشجویان

هواداران سازمان در انگلستان

به حضور امام خمینی

دانشجویان ایرانی هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در انگلستان با ارسال تلگرافی به حضور امام خمینی، عمل جنایتکارانه بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی را محکوم کردند متن تلگراف چنین است:

ترور شخصیت‌های سیاسی که با هدف تدارک برای براندازی جمهوری اسلامی انجام گرفته است، باعث تآثر هر ایرانی میهن - دوست می‌باشد. ما در انگلستان شاهد خرسندی

تلگرام

حضور محترم آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران

در رابطه با بمب‌گذاری اخیر در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

ترور شخصیت‌های سیاسی که با هدف تدارک برای براندازی جمهوری اسلامی انجام گرفته است، باعث تآثر هر ایرانی میهن - دوست می‌باشد. ما در انگلستان شاهد خرسندی جهان‌نواران غرب و همچنین سرمایه‌داران ضد انقلاب ایرانی از خبر این واقعه بوده‌ایم. اطمینان داریم که اتحاد مردم میهن ما هر توطئه امپریالیست را که در جهت سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی انجام پذیرد درهم خواهد شکست.

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال بریتانیا
هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۰ تیر ۱۳۶۰

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند



طبقه کارگر ایران خواهان تثبیت قانونی شوراهای (مطابق اصول ۲۶ و ۴۰ قانون اساسی) است

تاکنون تدوین قانون و آیین‌نامه‌های که حقوق شورایی طبقه کارگر ایران را به رسمیت شناخته و در اساسی‌ترین خطوط خود بیانگر مضمون و حدود اختیارات واقعی شوراهای باشد، موضوع بحث و جدل‌های زیادی در میان مسئولین جمهوری اسلامی و گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی بوده است. تشکلهای شورایی که ابتدا در جریان تدارک و پیروزی مرحله نخست انقلاب به شکل کمیته‌های اعتصاب در کارخانه‌ها تکوین یافته و سپس در جریان تحکیم و گسترش انقلاب به شکل کنونی تحول یافت، از زمره مهمترین دستاوردهای انقلاب و وثیقه مطمئن تداوم و تعمیق آن بوده و هست. شوراهای برغم روند پرفراز و نشیب حیات خود در طول دو سال و نیمه بعد از انقلاب در راستای تامین وحدت صفوف طبقه کارگر ایران گامهای اساسی و مؤثری به پیش برداشته‌اند و از این طریق در مهمترین وجوه فعالیت خویش تبلور وحدت اراده مساعی مشترک توده میلیونی کارگران ایران در دفاع از انقلاب و تعمیق دستاوردهای آن از یک سو و دفاع از منافع و حقوق صنفی روزمره خود از سوی دیگر بوده‌اند. شوراهای بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با مشارکت در امر اداره انقلابی تولید با شرکت در راه‌اندازی کارخانه‌ها و تامین تداوم تولید آنها، با افزایش تولید، بهبود کیفیت آن با مبارزه به خاطر مصادره و ملی کردن صنایع بزرگ وابسته و تداوم پیگیری آن با تلاش در جهت قطع وابستگی صنایع ایران در زمینه‌های مختلف و شالوده‌ریزی اقتصاد مستقل ملی و با عقیم گذاردن دسایس اخلاص‌گراانه سرمایه‌داران، مدیران و عناصر ضدانقلابی و لیبرال در روند تولید، با تامین و

تضمین آرامش و نظم انقلابی در واحدها، با ایجاد و گسترش کمیته‌های دفاع از انقلاب در واحدهای تولیدی و خدماتی به هنگام آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام، با حمایت از انجام تحولات بنیادی به سود زحمتکشان (نظیر خواست اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه ملی کردن تجارت خارجی و اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی)، با پشتیبانی بیدریغ از حاکمیت جمهوری اسلامی در مقابل توطئه‌های رنگارنگ حبهه ضدانقلاب جهانی بسرکردگی آمریکای جهانخوار و عمال داخلی و ... شرکت گسترده همه‌جانبه و متشکل طبقه کارگر ایران را در تثبیت روند انقلاب و در تداوم و گسترش ظفرمند آن تامین نموده و می‌نمایند. شوراهای همچنین پس از پیروزی انقلاب با پیگیری تمام‌دوره‌ای ایجاد رابطه متناسب و صحیح و ضرور بین حداقل دستمزد و سطح هزینه زندگی تا تامین مسکن، حق برخورداری از مزد مساوی در مقابل کار مساوی برای زنان، جلوگیری از کار کودکان حق از کارافتادگی و بازنشستگی حق برخورداری از بیمه و بهداشت و ایمنی محیط کار، حق خواربار و اولاد و به ویژه حق ایجاد تعاونی‌های مسکن اعتبار و مصرف و دیگر حقوق صنفی و رفاهی کارگران تلاش کرده و با تمام قوا خواهان تدوین قانون مترقی کار و تامین اجتماعی و نظام مترقی ارزشیابی مشاغل با مشارکت تشکلهای و کانون‌های توده‌ای کارگران شده و از این طریق فعالانه در راه بهبود شرایط کار و زندگی طبقه کارگر ایران مبارزه نموده‌اند. بدون تردید این وجه از فعالیت شوراهای نه تنها تاثیر قاطعی بر ارتقاء شرایط کار و زندگی کارگران دارد، بلکه در عین حال خود مستقیماً در خدمت بسیج و تجهیز توده میلیونی کارگران در راستای دفاع از

دستاوردهای انقلاب و تثبیت و گسترش آن بوده است. همچنانکه نقش شوراهای تامین مشارکت انقلابی کارگران در اداره امور واحدها نیز به طریق اولی اثرات تبعی خویش را در بهبود شرایط کار کارگران ظاهر ساخته است. شرکت دوگانه مضمون فعالیت شوراهای، تلفیق هماهنگ و رابطه متقابل آنها که بطور عینی خود را در جریان زندگی و مبارزه روزمره کارگران آشکار نموده است (و ما فوقاً بدان اشاره نمودیم) در واقع از وحدت منافع و رابطه تنگاتنگ و درونی جنبش طبقه کارگر و انقلاب ضدامپریالیستی میهن ما سرچشمه می‌گیرد. طبقه کارگر ایران ضمن دفاع از منافع و حقوق اقتصادی - اجتماعی روزمره خود باید رسالت خویش را به مثابه مهمترین نیروی محرکه انقلاب، در جریان تثبیت و تحکیم انقلاب و تکامل آن نیز ایفاء نماید. این دو وظیفه ضرور انقلابی را به نحوی اصولی و منطقی در یکدیگر تلفیق کند و همواره مبارزه به خاطر منافع صنفی روزمره را تابع مقتضیات و مصالح انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی و وظایف ناشی از آن سازد. بدون شک تلفیق هماهنگ و منطقی این دو وجه از مبارزه طبقه کارگر در تشکلهای شورایی تبلور آشکار یافته و خود را در سرشت دوگانه وظایف آن نشان می‌دهد. بنابراین مضمون متنوع فعالیت شوراهای در زمینه تامین مشارکت انقلابی کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی از یک سو و دفاع از منافع و حقوق صنفی و رفاهی کارگران از سوی دیگر نه تنها امری تصادفی نیست بلکه پدیده‌ای قانونمند متکی بر اهداف مردمی انقلاب و مبتنی بر مقتضیات عینی تثبیت و گسترش آن است. از این گذشته برای آنکه

تشکلهای شورایی بتوانند وحدت توده‌ای و گسترده انبوه کارگران را تامین نموده و از این طریق اراده واحد و هدفمند این توده زحمتکش را در راستای دفاع از دستاوردهای انقلاب و نیل به اهداف ضدامپریالیستی آن تجهیز نمایند، باید راه را بر اشکال گوناگون همکاری، هماهنگی و وحدت آنان در سطوح منطقه‌ای، رشته‌ای و ملی باز نموده، گرایش عینی نیرومند آنان را در جهت نیل به وحدت، تقویت و تحکیم کرده و شرایط و امکانات عملی مساعد برای تحقق این منظور را فراهم سازند. در طول دو ساله بعد از پیروزی انقلاب شوراهای با همکاری برخی از نهادهای ارگان‌های انقلابی و مردمی مسئول، در سطوح محلی، منطقه‌ای رشته‌ای و ملی گامهای معینی در این جهت برداشته‌اند. برگزاری سه کنگره شورایی در تهران، اصفهان و مشهد، ایجاد کانون‌ها و اتحادیه‌های گوناگون از شوراهای استان‌ها و شهرهای مختلف و از آن جمله در تهران (کانون شوراهای اسلامی پلی‌تکنیک و خانه کارگر) و حرکات پراکنده دیگری که در این زمینه انجام یافته است، همه و همه بیانگر وجود گرایش عینی نیرومند وحدت و سازمان‌یابی در صفوف کارگران در گستره‌ای فراتر از یک واحد تولیدی و خدماتی است. از سوی دیگر تامین تشکلی واقعی صفوف کارگران و بسیج گسترده دمکراتیک و سازمان - یافته آنان چه در راستای دفاع از انقلاب و چه در حیطه مبارزه به خاطر بهبود شرایط کار و زندگی، درگروی آن است که شرایط برای عضویت داوطلبانه همه کارگران در شوراهای فراهم شود تا از این طریق یک کارگران در اداره امور واحدها و دفاع از منافع صنفی روزمره‌شان، به نحوی

مسئولانه مشارکت نمایند. با انجام وظایف محوله و در جریان تلاش و تجربه روزمره آبدیده شوند. و با طرد عناصر ضدانقلابی و سازشکار، صفوف خود را فشرده‌تر سازند. آنچه گفته شد مضمون فعالیت و مختصات اصلی شوراهای را به مثابه تشکلهای توده‌ای و دمکراتیک کارگران، در مهمترین وجوه خود نشان می‌دهد. خطوطی که فوقاً ترسیم شد نه تنها بازتاب واقعیت عینی این تشکلهای بلکه در عین حال پاسخگوی ضرورت‌های تحکیم و گسترش انقلاب مردمی میهن ماست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۲۶ و ۴۰ خود، بر این موارد تصریح دارد، اگرچه خود در این زمینه عاری از ابهام و یارسایی نیست. از آنجا که اصول و مبانی پیش گفته به منزله کارپایه تدوین هرگونه قانون و آیین‌نامه شوراهای می‌باید مورد استفاده قرار گیرند ما در اینجا به تدقیق و تصریح هرچه بیشتر و مستوفی آنها می‌پردازیم:

اهداف

- ۱ - تجهیز گسترده کارگران همه واحدهای تولیدی و خدماتی به تشکلهای شورایی به منظور:
 - الف - تامین حمایت متشکل طبقه کارگر از انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی، بسیج توده میلیونی کارگران در مبارزه به خاطر تثبیت دستاوردهای انقلاب و تعمیق روند آن، در راستای نوسازی اجتماعی و اقتصادی به سود توده زحمتکشان، در مبارزه به خاطر قطع وابستگی‌های اقتصادی به تحکیم استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی.
 - ب - دفاع از منافع و حقوق اقتصادی روزمره

بقیه در صفحه ۷

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۶

طبقه کارگر ایران...

کارگران و تامین شرایط کار و زندگی بهتر برای آنان.

۲ - این اهداف دارای پیوندی درونی و متقابل با هم بوده و بدیهی است که دفاع از منافع صنفی روزمره باید به تبع مصالح انقلاب و وظایف ناشی از تعمیق روند آن باشد.

۳ - به منظور تامین و تحکیم وحدت صفوف کارگران در جهت نیل به اهداف فوق نه تنها باید در همه واحدهای تولیدی و خدماتی شرایط ضرور برای تشکیل و گسترش تشکلهای شورایی را فراهم نمود، بلکه ضرورتا باید در جهت تدارک و پی ریزی کانونهای دمکراتیک و توده‌ای متشکل از چندین شورا در سطح رشته، منطقه و کشور نیز کوشش نمود.

وظایف و حقوق شوراها

۱ - مطابق اهدافی که برشمرده شد، مهمترین وظایف شوراها عبارتند از:

الف - دفاع از دستاوردهای ضد-امپریالیستی و مردمی انقلاب و مبارزه به خاطر گسترش روند آن از طریق مشارکت انقلابی در اداره امور واحدها و به این وسیله شرکت فعالانه در طرح ریزی برنامه‌ها، تعیین خط مشی‌ها و سازماندهی امر تولید، مبارزه با اخلاص‌گری‌های سرمایه‌داران و مدیران ضدانقلابی لیبرال و ...

ب: دفاع از منافع صنفی و رفاهی روزمره کارگران و کوشش در جهت بهبود شرایط کار و زندگی کارگران.

۲ - حقوق و اختیارات شوراها در زمینه مشارکت در اداره امور واحدها در چارچوب اعلام نظرات، پیشنهادات در جریان تصمیم‌گیری‌ها و نظارت بر حسن اجرای تصمیمات متخذه در جریان انجام آنها قرارداد و حق تصمیم‌گیری و اجرای نهایی و قطعی با مدیریت واحدهای تولیدی (و نهایتا دولت) است.

۳ - حقوق و اختیارات شوراها در گستره تامین مطالبات صنفی و رفاهی کارگران، بهبود شرایط کار و زندگی آنها و تدوین

مقررات و آئین‌نامه‌های انضباطی در محیط کار از دامنه بیشتری برخوردار بوده و اتخاذ هرگونه تصمیم‌گیری در این زمینه‌ها از سوی مدیریت واحدها مشروط به مشورت و موافقت قبلی شوراهاست.

۴ - وظایف ناشی از مصالح بنیادی انقلاب و وظایف مربوط به ارتقاء شرایط کار و زندگی کارگران در پیوند تنگاتنگ و درونی با هم بوده و انجام هر یک بر دیگری تاثیر تسریع‌کننده گذاشته لیکن در هر صورت اولی ناظر بر دومی است.

ساختار سازمانی شوراها

در شرایط کنونی چگونه باید

باشد؟

۱ - برای نیل به اهداف نامبرده و انجام وظایف فوق‌الذکر، شوراها باید کانونی باید همه کارگران واحدهای تولیدی و خدماتی را صرف نظر از اعتقادات سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیکی آنها دربرگیرند و هر یک از کارگران بتوانند به گونه‌ای داوطلبانه به عضو فعالی از آن تبدیل شوند.

۲ - شوراها برای آنکه بتوانند وحدت صفوف کارگران را تامین و تضمین کنند باید سازمان‌های دمکراتیکی باشند که در آنها توده اعضاء فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها، تعیین خط مشی‌ها و اتخاذ مواضع و اجرای پیگیرانه آنها شرکت داشته باشند. ارگان‌های رهبری تشکلهای شورایی باید بر اعتماد آگاهانه توده اعضاء خود تکیه نمایند و آن را ضامن تحکیم وحدت صفوف کارگران در شوراها سازند.

* * * هرگونه قانون و آیین‌نامه‌ای که به منظور تبیین و تثبیت حقوق شورایی کارگران تدوین می‌شود باید در توضیح اهداف، مضمون وظایف، حقوق و اختیارات و ساختار سازمانی شوراها بر روح اصول و موازینی که برشمردیم متکی و منطبق باشد و شالوده قانونی ایجاد

و گسترش شوراها را بر این مبانی پی ریزد. تنها در این صورت است که تشکلهای شورایی به مثابه اهرم‌های بسیج و تجهیز توده‌های صفوف کارگران، از نظر قانونی

تثبیت و تحکیم شده و تشبثات ضدشورایی محافل ضدانقلابی و لیبرال بی‌اثر گشته و شرایط برای رشد و گسترش آنها از هر جهت فراهم می‌شود در طول دو ساله پس از پیروزی انقلاب، بورژوازی لیبرال و نمایندگان سیاسی آن در حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها به انحای مختلف کوشیدند تا با ترفندهای ضدانقلابی و اقدامات کارشکنانه و تخریبی خود موجبات تلاشی یا مسخ تدریجی شوراها را فراهم آورند، بلکه در عین حال تلاش بسیار نمودند تا از تحکیم و تثبیت قانونی شوراها جلوگیری نمایند و یا حداقل به شوراهایی که عاری از روح و جوهر انقلابی هستند هویت قانونی بخشند تشبثات و اقدامات ضد- شورایی دولت لیبرال "گام به گام" که بیش از هر چیز از حضور میلیونی کارگران در صحنه و به ویژه مشارکت دمکراتیک آنها در اداره امور واحدها و نقش قاطع شان در مصادره و ملی کردن صنایع وابسته و خنثی کردن تلاش‌های کارشکنانه مدیران ضدانقلابی و لیبرال در هراس بود، خود مهمترین گواه است. دولت گام به گام تا آنجا که می‌توانست کوشش کرد تا مانع از تشکیل و گسترش شوراها در واحدهای تولیدی و تحکیم قانونی آنها شود و آنگاه که نتوانست سعی نمود تا در پرده لایحه کذایی خود شوراها را از درون تهی سازد. بنی صدر رئیس جمهور مخلوع نیز که ادامه دهنده سیاست ضدشورایی دولت گام به گام بود از همان ابتدا زبان به تفسیح شوراها، نقش قاطع آنها در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ما گشود و با شعار "شورا بی‌شورای" خود دشمنی‌اش را با وحدت صفوف کارگران انقلابی میهن ما نشان داد. بنی صدر مخلوع اگرچه بعدها به نحوی عوام‌فریبانه خود را مدافع دواشته شوراها نمایاند.

لیکن جریان زندگی و سیر حوادث به روشنی نشان داد که او چگونه فرصت طلبانه تمایلات واقعی‌اش را که درست در نقطه مقابل نقش شوراها در دفاع از انقلاب بود، در زیر شعارهای تند

و انقلابی نمایانده می‌پوشاند و عملا شوراها را به تقابل خصومت‌آمیز با حاکمیت خط امام فرا می‌خواند. ما به هنگام خود سیاست ضد- شورایی دولت گام به گام و نیز سرشت عوام‌فریبانه هواداری بنی صدر از شوراها را افشاء نمودیم و کارگران و مسئولین متعهد جمهوری اسلامی را به طرد قاطع این سیاست‌ها، دعوت نمودیم متاسفانه با وجود انزوا و انفراد نسبی سیاست ضد شورایی لیبرالها، سوم ضدشورایی آنها همچنان در پیکر مجموعه قوانین و مقرراتی که هم اکنون به مثابه تشکیل و تثبیت قانونی شورا مورد استناد قرار می‌گیرند باقی است. از آن جمله است لایحه شانزده ماده‌ای شوراها که به توسط شورای انقلاب در مرداد ماه سال گذشته تصویب شد. و نیز آئین‌نامه ۴۵ ماده‌ای شوراها که در تاریخ نهم مرداد ماه ۵۹ به تصویب شورای عالی کار رسید. در آن زمان نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال چه در شورای انقلاب و چه در دستگاه دولتی همچنان از مواضع بالنسبه نیرومندی برخوردار بودند خواه ناخواه تمایلات ضد- شورایی خود را در لایحه و آئین‌نامه شوراها نیز منعکس ساختند. مسامحه‌کاری مسئولین و مقامات منتسب به خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی نیز در همان زمان میدان عمل وسیعی برای تحقق اهداف ضدشورایی دولت - مردان لیبرال فراهم می‌نمود تاثیر ضدشورایی لیبرالها در آن زمان به علت تناسب قوا در حاکمیت جمهوری اسلامی و موقعیت بالنسبه نیرومند لیبرالها در دستگاه دولتی از یک سو و بی‌تجربگی و ندانم‌کاری مقامات منتسب به خط امام از سوی دیگر طبیعی می‌نمود، ولیکن جای بسی تعجب و تاسف است که امروز نیز این لایحه و آئین‌نامه اجرایی آن همچنان مورد استناد قرار می‌گیرد و پایه قانونی تشکیل شوراها در واحدهای تولیدی و خدماتی بشمار می‌رود. لایحه شوراها مصوب شورای انقلاب و آئین‌نامه اجرایی آن مصوب شورای عالی کار هر دو در کلی‌ترین وجوه خود فاقد اهداف، مضمون وظایف و ساختار سازمانی اصولی و منطبق بر نیازهای تثبیت و گسترش انقلاب هستند.

خطوط اساسی نواقصی که

در لایحه و آئین‌نامه شوراها

وجود دارد چیست؟

اولا: ماده ۱۴ لایحه شوراها مصوب شورای انقلاب با موکول کردن حق تشکیل شوراها در واحدهای بزرگ صنفی (مانند صنعت نفت) به تصویب هیئت وزیران و ماده ۱۸ آئین‌نامه شوراها مصوب شورای عالی کار با نادیده گرفتن حق ایجاد شوراها در واحدهای ساختمانی عملا بر حقوق شورایی بخش وسیع و مهمی از طبقه کارگر میهنمان خط بطلان کشیده و مانع از تامین وحدت گسترده صفوف کارگران همه واحدهای تولیدی و خدماتی در راستای دفاع از انقلاب و تعمیق روند آن از سویی و دفاع از منافع صنفی روزمره کارگران از سوی دیگر گشته است. به حق می‌توان گفت که روح شعار شورا بی‌شورای بنی صدر در مواد ۱۴ و ۱۸ لایحه و آئین‌نامه شوراها متبلور است ثانيا - لایحه و آئین‌نامه شوراها، هیچیک بر اهداف دوگانه‌ای که قبلا به آنها اشاره کردیم تصریح نمی‌کنند و پیوند درونی این اهداف و وجه عمده آنها را نمی‌بینند ثالثا: لایحه و آئین‌نامه شوراها بر اهمیت و ضرورت وحدت‌یابی توده‌های کارگران در مقیاسی فراتر از یک واحد در سطوح رشته‌ای، منطقه‌ای و ملی تاکید نمی‌کنند.

و خلاصه لایحه و آئین‌نامه شوراها در کلیت خویش فاقد اصولیتی است که قبلا به آنها اشاره کردیم و تدوین هرگونه قانون مترقی و انقلابی در زمینه شوراها را مستلزم مراعات اکید آنها دانستیم.

امروز که مقامات و نهادهای متعهد جمهوری اسلامی در کار تدارک عطفی لایحه جدیدی برای شوراها هستند، باید ضمن تحدید نظر عمیق و مسئولانه در لایحه و آئین‌نامه کنونی شوراها، قانونی مترقی که متضمن تثبیت و تحکیم قانونی شوراها در همه واحدهای تولیدی و خدماتی بوده و نقش موثر و قاطع آنها را در حیات سیاسی و پیشرفت و تکامل انقلاب تضمین نماید، تدوین و تصویب کنند.

خبرهایی از روستاهای کشور

باسمپاشی به موقع

مزارع برنج را از خطر

نابودی نجات دهیم

مازندران - خطری جدی که هم اکنون مزارع برنج منطقه مازندران را تهدید می کند شیوع آفت کرم ساقه خوار و بیماری "بلاست" در کشتزارهاست. بیماری بلاست در مناطق چالوس، نور، نوشهر، رامسر و بیماری کرم ساقه خوار در مناطق آمل، محمودآباد، فریدونکنار و ... به شدت شیوع یافته است و مطابق اطلاعات رسیده بیماری بلاست تاکنون در حدود ۲۰٪ به مزارع برنج مناطق فوق آسیب رسانده است. دولت می تواند و باید با اقدام به موقع جلوی فاجعه احتمالی را بگیرد. سهل انگاری و بی توجهی در این مورد و در این شرایط حساس ممکن است خسارات سنگین و جبران ناپذیری ببار آورد. مطابق شواهد موجود متأسفانه مسئولین تاکنون سهمیه نوبت دوم سم کرم ساقه خوار را در اختیار کشاورزان قرار نداده است.

با رشد ساقه برنج سمپاشی با تلمبه به دشواری انجام می گیرد و هر قدر ساقه برنج بلندتر شود امکان سمپاشی به وسیله تلمبه دستی محدودتر می گردد. لذا خطر اینکه کشاورزان موفق نشوند به موقع سمپاشی نمایند وجود دارد. از طرفی به علت شیوع بیماری بلاست امکان سمپاشی از جانب دهقانان در مدت زمان کوتاه غیر ممکن است لذا دولت باید هرچه زودتر با امکاناتی که در اختیار دارد و از جمله هواپیمای سمپاشی کلیه

برنجزارهای منطقه را سمپاشی کند. در غیر این صورت امسال محصول خوبی در منطقه نخواهیم داشت و عواقب وخیم و مسئولیت آن نیز به عهده مقامات دولتی می باشد.

توقف بندج و د

حوادث ناگواری

را برای روستائیان به

ارمغان آورده است

بسم - روستای گرگند در چهار کیلومتری شهرستان بم واقع شده است. در این روستا تا قبل از انقلاب روابط ظالمانه فئودالی حاکم بوده است و مالک آن نیز شخصی بسم نام ظهیر یکی از فئودالهای بنام شهرستان بم بوده که با بیرحمانه ترین شیوهها دهقانان را استثمار می نمود و بطور کلی فقر و بدبختی در تمام این روستا سایه افکنده بود. بعد از انقلاب فئودال مذکور متواری شد و روستائیان زحمتکش و مبارز توانستند با اتحاد و یکپارچگی خود و به کمک سپاه پاسداران منطقه زمینهای بایر را بازپس گرفته

و به کشاورزی بپردازند بطوری که تولید گندم این روستا اکنون چند برابر سالهای گذشته است این عمل مردم روستا و همکاری سپاه از همان ابتدا مورد اعتراض آقای علامه حاکم شرع شهرستان بم قرار گرفت (قابل توجه است که آقای علامه در زمان رژیم شاه معدوم امام جمعه این شهرستان بوده است)

بعد از توقف بندج و د " قانون اصلاحات ارضی و پیر و بال گرفتن فئودالها و زمینداران بزرگ، ظهیر فئودال فوق الذکر با پشتیبانی علامه حاکم شرع و پاسگاه کروک به روستا آمده و به کمک ایادی مسلح خود و پاسگاه به روستائینی که در مزارع خود مشغول زراعت بوده حمله ور شده و باعث ضرب و جرح چندین کشاورز زحمتکش گردیده است. اما دهقانان مبارز توانستند با همکاری یکدیگر آنها را فراری دهند و حق خویش را باز ستانند پس از این واقعه حاکم شرع به ژاندارمها گفته است شما سرباز اسلام هستید و اگر ده تن از دهقانان را نیز بکشید کسی شما را محاکمه نخواهد کرد و لذا ژاندارمها دوباره به روستا آمده و دهقانان زحمتکش را از زمینهایشان بیرون راندند. اکنون مسئله تحت بررسی و رسیدگی است ولی با توجه به نفوذی که خوانین در دادگاه انقلاب بم پیدا کرده اند و معاون دادگاه نیز خود یکی از خوانین و تجار عمده بازار است امکان هرگونه اعمال نفوذ برای پایمال کردن حق دهقانان وجود دارد، ما توجه ارگانهای انقلابی را به این امر مهم جلب می نمایم

تامین آب زراعی، کود، سم، بذر و ماشین آلات، تعیین قیمت های مناسب و تضمین خرید و بیمه محصولات کشاورزی ایجاد و مرمت راههای روستایی، درمانگاه، مدرسه و حمام بهداشتی خواست مشترک دهقانان زحمتکش سراسر کشور است.

محمد کاظم موسوی بجنوردی:

مصالح انقلاب در اجرای

بند "ج" است

مجلس شورای اسلامی هرچه زودتر به حل این مسأله حیاتی بپردازد و این دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی را که آرزوی همه روستائیان مسلمان نیز هست به تصویب رساند و برای اجرا به دولت ابلاغ نمایند (روزنامه کیهان پنجشنبه هشتم مرداد ماه ۶۰) ما نیز ضمن تاکید بر این نظرات واقع بینانه، بار دیگر توجه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی را به وظیفه خطیری که در مقابل میلیون های دهقان زحمتکش و سرنوشت انقلاب بر دوش آنها قرار دارد جلب می نمایم. علاوه بر این بر زحمتکشان روستایی کشور است که به مانند گذشته کماکان به هر طریقی که می توانند با ارسال نامه و طومار و تلگراف تا ملاقات حضوری خواست برحق خود را به اطلاع نمایندگان حوزه انتخابیه خود و همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسانند.

آقای محمد کاظم موسوی بجنوردی مبارز پر سابقه و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی طی گفتگویی با خبرنگار روزنامه کیهان که در کیهان پنجشنبه ۸ مرداد ماه به چاپ رسید، نقطه نظرات خود را در مورد مسائل مهم مملکتی اظهار داشتند و ضمن تاکید بر انجام اقداماتی فوری و قاطع در جهت منافع زحمتکشان کشور در شرایط حساس کنونی در مورد اصلاحات ارضی چنین گفتند: " بند (ج) را باید حتما و هرچه زودتر اجرا کرد، شک و تردید روا نیست و ملاحظه آنهایی را هم که مطابق سلیقه و مصالح مریدان پولدارشان فتوا می دهند نباید کرد، مصالح انقلاب یعنی مصالح مستضعفان که صاحبان اصلی انقلابند در اجرای بند (ج) است و اگر در اجرای بند (ج) خشونت هم لازم آید چه باک خوشبختی کشاورزان مستضعف به این چیزها می ارزد، من امیدوارم که همکاران ما در

دهقان زحمتکش ایران

با افزایش تولید،

حمایت از شوراهای روستایی

و همکاری با ارگانهای انقلابی

جبهه انقلاب را تقویت کنیم

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

ایجاد مراکز خدمات، گامی مثبت در جهت تحقق خواست‌های زحمتکشان روستائی و عشایر

نخواهد کرد. دو مین مسئله‌ای که در ایجاد مراکز خدمات باید مورد توجه کافی قرار گیرد، مشارکت روستائیان و عشایر در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی و اقدامات اجرایی. از طریق تشکیل و ایجاد شوراهای روستایی و عشایری است. مشارکت روستائیان در این زمینه‌ها می‌تواند بسیاری از مشکلات برنامه‌ریزی و اجرایی در زمینه توسعه کشاورزی و عمران روستایی را حل کرده و در پیشرفت امور موثر باشد. در آئین‌نامه اجرایی این مراکز به این امر مهم توجه شده است ولی باید تذکر داد که دخالت و مشارکت روستائیان در امور این مراکز باید بطور واقعی و دمکراتیک صورت گیرد تا از گسترش نظام بورژوازی در اداره این مراکز جلوگیری به عمل آید و از طرف دیگر با پیشبرد امر اصلاحات ارضی و قطع نفوذ بزرگ‌زمینداران و فئودال‌ها این مراکز را به محل تجمع و شکل زمینداران بزرگ، عنصر با نفوذ و اقشار مرفه روستایی ممانعت شود.

نکته دیگری که باید در ایجاد "مراکز خدمات کشاورزی روستایی و عشایری" مورد توجه قرار گیرد، ایجاد سازمان‌های تولید مناسب می‌باشد که از طریق تشکیل تعاونی‌های تولید عملی است با ایجاد تعاونی‌های تولید مشکلات مراکز خدمات در امر توزیع خدمات کشاورزی به حداقل می‌رسد زیرا خدمت رسانی به دهقانانی که منفردا و بطور پراکنده به کشت و کار مشغولند علاوه بر اینکه از بازدهی ماشین‌آلات کاسته و برنامه‌ریزی در امر خدمت رسانی را مشکل می‌سازد، برنامه‌ریزی در امر تنوع کشت، بهره‌گیری پیشرفته آبیاری و آب‌رسانی و توزیع نهاده‌ها و وسایل را نیز دچار مشکلات خواهد ساخت با ایجاد تعاونی‌های تولید بازدهی این مراکز افزایش یافته و تولید برنامه‌ریزی شده نیز ممکن می‌گردد.

سازمان و تشکیلات مجری طرح تاسیس این مراکز و همچنین ناظر و هماهنگ کننده خدمات آنها نکته دیگری است که باید مورد

تولید در واحد سطح موثر می‌باشند و به علت محدودیت میزان زمین هر خانوار کشاورز، امکان افزایش تولید و در نتیجه درآمد کشاورزان کم زمین بسیار محدود خواهد بود. از سوی دیگر، حدود یک درصد از کشاورزان مالک حدود ۲۱٪ از بهترین اراضی همراه با پیشرفته‌ترین وسائل تولید هستند یعنی ۲۶ هزار خانوار هر یک بطور متوسط مالک بیش از ۱۳۶ هکتار اراضی قابل کشت می‌باشند. اولاً این ارقام توزیع ناعادلانه اراضی را نشان داده و ثانیاً نشان می‌دهد که ایجاد مراکز خدمات روستایی بدون تغییر در نحوه توزیع زمین، اثرات چندانی بر افزایش درآمد دهقانان کم زمین و بی‌زمین نخواهد داشت. توجه به این مسائل نشان می‌دهد که اولین گام در جهت رسیدن به افزایش تولید و رفاه روستائیان اجرای اصلاحات ارضی و هم چنین افزایش سطح اراضی قابل کشت از طریق احیاء اراضی موات توسط دولت است تا اراضی بطور عادلانه بین دهقانان توزیع گردد بطوری که هر یک از دهقانان از میزان زمین کافی برخوردار شوند، همراه با توزیع عادلانه زمین، خدمات این مراکز نیز بطور عادلانه در اختیار روستائیان زحمتکش قرار خواهد گرفت. بنابر این بدون پیشبرد قاطع و همه‌جانبه اصلاحات ارضی و در کنار آن تدارک برای تاسیس "مراکز خدمات کشاورزی، روستائی و عشایری" مسلماً موفقیت لازم کسب نخواهد شد. و لایحه ایجاد مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری علیرغم مضمون مترقی و خیرخواهانه آن اهداف مورد نظر را تامین

اجرا درآمد می‌تواند از نقش موثر این مراکز کاسته و در بعضی موارد اثرات آن را نیز خنثی نماید. در هر طرح خدمت‌رسانی به روستاها که با دو هدف افزایش تولید محصولات کشاورزی و برخواستن روستائیان از شرایط نسبتاً مناسب زندگی و رفاه صورت می‌گیرد، ضرورتاً باید مسئله توزیع زمین و مالکیت بر زمین در درجه اول مورد توجه قرار گیرد با توجه به اینکه بعد از انقلاب اقدامات موثری در نظام مالکیت بر زمین صورت نگرفته و قانون اصلاحات ارضی عملاً متوقف گردیده است ایجاد مراکز خدمات روستایی بدون اجرای اصلاحات ارضی بنیادی نقشی موثری در افزایش درآمد اکثریت دهقانان زحمتکش که مالک زمین بسیار کمی هستند نخواهد داشت. زیرا حدود ۴۰٪ از دهقانان ایران صاحب اراضی کمتر از ۲ هکتار بوده یعنی تنها مالک کمتر از ۵٪ از اراضی قابل کشت هستند. بطوری که حدود یک میلیون خانوار روستایی هر یک بطور متوسط مالک نیم هکتار زمین قابل کشت می‌باشند کاملاً روشن است که درآمد حاصل از این مقدار ناچیز زمین بسیار پائین بوده و اکثریت این دهقانان برای تامین زندگی خود به کارهای دیگری نیز مبادرت می‌ورزند. با ایجاد مراکز خدمات روستایی، احتمالاً در شرایط زندگی این قشر عظیم از روستائیان بهبودی حاصل خواهد شد ولی به علت ناچیز بودن میزان زمین آنها این مراکز تاثیر محسوسی بر درآمد آنها از طریق در اختیار قرار دادن خدمات کشاورزی نخواهند داشت. چون این خدمات در افزایش میزان

دستاوردهای علمی و فنی مشغول به کار هستند مشکلات و مسائل زحمتکشان روستایی در دو وجه عمده تولید و رفاه قابل بررسی و درخور توجه است. از یک سو به علت توزیع ناعادلانه زمین اکثریت دهقانان از میزان زمین قابل کشتی که اولیه زندگی آنها باشد برخوردار نبوده و از نظر دسترسی به آب، کود، سم، بذر و ماشین‌آلات کشاورزی دچار مشکلات جدی هستند. از سوی دیگر جامعه روستایی ما از خدمات زیربنایی چون راه‌های روستایی، برق، امکانات و تسهیلات رفاهی بهداشتی و درمانی خدماتی و آموزشی بی‌بهره‌اند که این وجه از مسائل به نوبه خود اثرات منفی قابل توجهی بر تولید گذاشته است. پر واضح است که هرگونه برنامه‌ریزی در جهت رفع نیازهای تولیدی و رفاهی روستائیان بایستی با توجه به کمبودها و مشکلات فوق‌الذکر صورت گیرد. آئین‌نامه در تشکیل مراکز خدمات روستایی و عشایری این موارد مورد توجه قرار گرفته‌اند و اگر جمهوری اسلامی در امر تشکیل این مراکز موفق شود کمک موثری در توسعه بخش کشاورزی و افزایش تولیدات این بخش و همچنین بهسازی و نوسازی روستاها خواهد شد تصمیم به تشکیل این مراکز به حقیق یکی از مهمترین تصمیماتی است که بعد از انقلاب اتخاذ شده است و می‌تواند در از بین بردن فقر و فلاکت و زندگی مشقت‌بار زحمتکشان روستایی موثر واقع شود ولی عدم توجه به کمبودهای این طرح و عدم توجه به پیوند آن با اقداماتی که همزمان و حتی مقدماتاً باید در عرصه روستاها به

آئین‌نامه اجرایی تشکیل مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری که به تصویب هیات وزیران رسیده اکنون برای تصویب نهایی به کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی ارسال گردیده است. قانون تشکیل مراکز خدمات روستایی که در سال ۵۹ در شورای انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است هدف از تشکیل این مرکز را "توسعه فعالیت‌های کشاورزی نوسازی، بهزیستی، بهداشتی، صنعتی، فنی تحقیقاتی و فرهنگی در روستاها" ذکر کرده و افزوده است که این مراکز "به منظور در اختیار قرار دادن خدمات تولیدی، رفاهی، بهداشتی و فرهنگی در روستاها ایجاد خواهد شد" و ایجاد این مراکز در افزایش تولید محصولات کشاورزی و هم چنین بهبود شرایط زندگی زحمتکشان روستایی و عمران و نوسازی روستا نقش مهمی ایفاء خواهد کرد.

از آنجایی که آئین‌نامه تقدیمی به مجلس شورای اسلامی علیرغم کلیت مترقی آن دارای نقائص و کمبودهای جدی است در اینجا به بررسی این کمبودها خواهیم پرداخت تا مورد توجه نمایندگان مجلس قرار گیرد بدیهی است چنانچه این کمبودها و اشکالات برطرف نشود دسترسی به اهداف ذکر شده در آئین‌نامه به سادگی میسر نخواهد بود. و علیرغم صرف نیرو و هزینه‌های هنگفت، مشکلات جامعه روستایی کشور کماکان برجای خواهد ماند.

به علت این که در رژیم گذشته به مسائل تولید کشاورزی و شرایط زیست روستائیان توجهی نگردیده و برنامه‌های صحیح و مردمی در زمینه افزایش تولید و در نتیجه افزایش درآمد کشاورزان هم چنین نوسازی و عمران روستاها و رفاه و بهبود شرایط زندگی روستائیان به مورد اجرا گذاشته نشده است، فقر شدیدی بر جامعه روستایی ایران حکم فرما بوده، تولید کشاورزی رشد نیافته و روستائیان در بدترین و سخت‌ترین شرایط زندگی به تولید کشاورزی با عقب‌افتاده‌ترین وسایل و

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

وقتی مردم ایستاده اند

فرار بنی صدر

تجلی اراده خلقهای ستمدیده ایران

تمام عمق انحطاط در يك تصوير

چهارشنبه شب هفته گذشته صفحه تلویزیون تصاویری را نشان داد که میلیون ها هم میهن آن را تا امروز بارها در ذهن خود تکرار کرده اند. چهره ها را دوباره به خاطر آوردند و با مکت روی آن، تاریخ این انقلاب را از آغاز تا امروز مرور کردند.

به راستی که هیچ صحنه ای و مطلقاً هیچ صحنه ای، نمی توانست تا این حد افشاگر ماهیت پلید مردم - فریبانی باشد که برای پنهان کردن چهره واقعی خود آماده اند کثیف ترین دروغ ها را سرهم بندی کنند و به جنایتکارانه ترین اقدامات هم علیه مردم و میهن خویش تن در دهند.

چهره تهوع آور ابوالحسن بنی صدر در کنار خلبان اعلیحضرت همایونی " و نگاه مشمژ کننده مسعود رجوی تمام صفحه تلویزیون را پوشانیده بود آنان که هنوز هم لجوجانه تمام حقایق را درباره این عناصر خیانتکار انکار می کردند بهت زده چشمان به این صفحه دوخته مانده بود که آیامی توان این را هم انکار کرد؟

اکثریت مردم زحمتکش میهن ما چون از داشتن تلویزیون محرومند این تصویر را ندیدند. اما به کمک دیگر رسانه های گروهی و زبان تیز و برای توده ها این خبر به همه شهرها و روستاها به درون تمام خانه ها رفت و همگان خبر شدند که همان شخصی (بنی صدر - رجوی) را از ایران فراری داده است همان کسی است که شاه را از ایران فراری داد.

دو سال ونیم پیش خلقهای ایران با اهداء دهها هزار شهید " فرار شاه " را جشن گرفتند و امروز با

میلیونها را قاطع که در انتخابات ریاست جمهوری ۲ مرداد در تائید رهبر انقلاب به صندوقها ریختند، " فرار بنی صدر " را.

تمام عمق تکامل در يك جمله

انقلاب ایران در بهمن ماه ۵۷ در نخستین خیز به نیرویی عظیم و باور نکردنی، رژیم دیکتاتوری شاه را به گور سپرد و باز هم به نیروی میلیونها رزمنده زحمتکش در دومین خیز، سمت ضد - امپریالیستی خود را با تسخیر لانه جاسوسی در آبان ۵۸ آشکار ساخت.

سازمان ما دو سال ونیم پیش، در دیماه ۱۳۵۷ در اعلامیه مشهوری که تحت عنوان " فرار شاه ! تجلی اراده خلقهای ستمدیده ایران است، انقلاب را تا سرنگونی کامل امپریالیسم ادامه دهیم " به درستی این سؤال مهم و تاریخی را عنوان ساخت که:

" آیا انقلاب مردم در تداوم خود، به اهداف نهایی دست خواهد یافت؟ آیا قادر است با طرد کامل سازشکاران و فرصت طلبان با توطئه هایی که از جانب امپریالیسم برای توقف آن صورت می گیرد مقابله نماید؟ آیا رهبران جنبش و نیروهای آگاه و انقلابی که در این دوره نقش بزرگی در سمت دادن حرکت توده ها ایفاء می کنند قادرند با جمع بندی تجربیات تلخ گذشته مبارزه خلق را تا واژگونی کامل سلطه امپریالیسم و انتقال حاکمیت به توده های ستمدیده به پیش برند؟ یا بار دیگر با غلبه سازشکاران و خیانت پیشگان راه برای شکست مردم باز خواهد شد؟ اینها مسائلی است که همزمان با سقوط شاه چگونگی پاسخ به آنها در

سرنوشت این مبارزه تاریخی نقش قاطعی برجای میگذارد و امروز، زمانی که دو سال و نیم اخیراً مرور می کنیم، بدرستی می بینیم که انقلاب ما برای طرد کامل سازشکاران و فرصت طلبان " برای مقابله با توطئه هایی که از جانب امپریالیسم برای توقف آن صورت می گیرد " نبردهایی سرنوشت ساز و تاریخی را پشت سر نهاده است. و تازه تا دستیابی به اهداف اساسی انقلاب و تحقق اساسی ترین خواست های زحمتکش راه داری باقی است.

بعد از " فرار شاه " امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا تمام نیروی اهریمنی خود را بکار انداخت که با قرار گرفتن مهدی بازرگان در رأس قدرت یک دولت لیبرال دست راستی به خلق ما تحمیل شود. لاکن نیروهای خلق در عمل نشان دادند که هوشیارتر از آنند که در قضاوت خود نسبت به مهدی بازرگان و جریان لیبرالی تجدیدنظر نکنند. انقلاب در دومین خیزش خود، همراه با بسط چشمگیر جنبه های ضد امپریالیستی آن مهدی بازرگان را نیز به زیر کشید و طرح برزینسکی را برای نابودی انقلاب ما مفتضحانه به شکست کشانید.

این شکست هرگز نه باعث شد و نه می توانست باعث شود که امپریالیسم از توطئه علیه انقلاب منصرف شود. این بار چهره های ناشناخته تر به میدان آمدند. این بار بنی صدر در رأس قرار گرفت. بنی صدر رئیس جمهور و به فرماندهی کل قوا انتخاب شد تمام نیروی سیاسی امپریالیسم در یک جبهه براندازی از سلطنت طلبان، و لیبرال های سازشکار گرفته تا فرصت طلبان و خیانت پیشگان و بقیه در صفحه ۱۹

درست در همان شبی که مسعود رجوی در حال انجام آخرین تدارکات فرار واقعاً شرم آورش بود مجاهد خلق سید محمد رضا سعادت تیرباران شد. و تا ۲۴ ساعت بعد که متن وصیت نامه سید انتشار یافت مساله اعدام وی تنها از جنبه حقوقی و اینکه چرا تمام موازین قانونی در مورد محاکمه وی رعایت نشده است زیر علامت سؤال بود مردم می خواستند بدانند واقعاً مساله چه بوده و اتهامات سید تا چه حد حقیقت داشته است؟ توضیحات آقای دادستان هم کمتر کسی را اقناع کرد که حکم اعدام برای زندانی اسیری که مسئولیت اصلی وی بر عهده زندانبان است حکمی عادلانه بوده است.

در وهله اول، از نظر افکار عمومی این اعدام با اعدام سعید سلطان پور قیاس می شد و در زمره اعدام های سؤال برانگیزی قرار می گرفت که آیا این اعدام در عمل بیشتر به سود دشمنان این جمهوری تمام می شود یا دوستان و مدافعان آن؟ این مساله نیز ذهن را به خود معطوف می داشت که نکند اعدام سعادت پاسخی باشد به رهبران خیانتکار مجاهدین؟ مردم می دیدند که مقامات مسئول نه قادرند از لحاظ قضایی از حکمی که صادر کرده اند مدافعه نمایند و نه از لحاظ سیاسی این حکم را توجیه نمایند.

اما زمانی که جمهوری اسلامی متن وصیت نامه " سید " را منتشر کرد مسائلی که مطرح بود کلا رنگ دیگری به خود گرفت انتشار وصیت نامه از جانب حاکمیت که مشخصاً دال بر تایید اصالت سند از جانب حاکمیت بود به سرعت برای همگان این سؤال را مطرح ساخت که اگر چنین است پس چرا سعادت اعدام شد؟ وصیت نامه ای که بدون تردید باید سرآغاز نوینی برای

وصیت نامه

افشاگر کسانی که از

حیات سیاسی مجاهدین خلق باشد. وصیت نامه ای که راه انقلابی غلبه بر گرایش ضد انقلابی حاکم بر سازمان مجاهدین خلق و طرد آن را در پیش روی اعضا و هواداران آن می کشاید.

رجوی، در ترس از انتقام توده های خشمگین در صحنه، در حالی که دست در دست بنی صدر مطرود داشت، همراه یکی از مورد اعتمادترین خلبانان شاه مزدور، از ایران انقلابی گریخت تا رسماً به جرگه ضد انقلابیون مقیم پاریس بپیوندد و سعادت، در حالی که در زندان " بارها و بارها در رابطه با مواضع جدید سازمان " گریسته بود " زیر " شدیدترین تاثرات عاطفی " وصیت کرد:

" انتقام خون من جز از جهانبخواران و مزدوران داخلی آنها پس گرفتنی نیست. یعنی همان هایی که رجوی از مدتی پیش، عملاً یاران خود را در میان آنان می جوید یعنی، هرگاه که سعادت چند صباحی دیگر با عزم در ادامه راهی که آغاز نهاده بود زنده می ماند بی گمان در وصیت نامه اش نام رجوی را در کنار نام همان هایی قرار می داد که می باید انتقام خون او و صدها مجاهد به بازی گرفته شده دیگر از آنان بازپس گرفته شود.

رجوی پس از اینکه خون صدها تن از جوانان و نوجوانان را که خسام - اندیشه فکری می کردند که در خدمت خلق و انقلاب هستند در راه تحقق خواب های شوم ضد انقلاب ناجوانمردانه به زمین ریخت به پاریس گریخت تا جبهه متحد ضد انقلاب را به اصطلاح تحرکی تازه بخشد.

سعادت در وصیت نامه خود، از سازمان می پرسد: " ما چه جبهه ای را گشوده ایم؟ قدم در چه

خیانتکاران همی گریزند

سعادت

خلق می گریزند!

صحنه‌های گذاشته‌ایم؟ و بلافاصله با تاسفی عمیق، خود به درستی پاسخ می‌دهد که:

"برادران! ما در دامی که امپریالیست‌ها برایمان چیده بودند، گرفتار شدیم" تا اینجا سعادت می‌گوید هنوز فکر می‌کند مسعود رجوی ناسا - آگاهانه در دام امپریالیست‌ها افتاده است. او هنوز به عمق خیانت رجوی پی نبرده است اما این فکر در ذهن او جرقه زده است که در "عمق صحنه دست‌های پلیس و آتش‌افروز جهان‌خواران و مزدوران داخلی آنها" قرار دارد. او نیمی از حقیقت را خوب دیده است.

سعادت می‌گوید آنجا که از لیبرالها سخن می‌گوید، رجوی و شرکا را به محاکمه می‌کشد و در واقع بطور ضمنی عوام‌فریبی آنها را افشاء و دروغ‌شکاران را برملا می‌سازد! سعادت می‌گوید: "برادران! خصایل ضد امپریالیستی را که ما از برای رژیم ترسیم می‌کردیم، از آن جناح لیبرال‌ها نبود چرا که خود بهتر می‌دانستیم که لیبرالها هیچ توان درک امپریالیسم و خطر آن را ندارند"

آنچه از متن منتشر شده وصیت‌نامه برمی‌آید حاکی از پیوند محکم و عمیقی است که میان او و سازمانش برقرار بوده است. ایمان و علاقه به سازمانی که سالها به خاطر آن رزمیده است از کلام سعادت کاملاً هویدا است. این موضوع می‌تواند خود عاملی بوده باشد که سعادت می‌گوید که نظرات خود را (که نمی‌توانست در وجود او یک روزه روئیده باشد) آشکار و مستقیماً برای مردم مطرح نکند و پرنسیب‌های سازمانی را محترم شمارد. اما به هنگام مرگ، ساله البته به گونه‌ای دیگر بوده است. از کلام سعادت پیداست که او دیگر امیدی ندارد که رهبران

مجاهدین تغییر مواضع "سید" و انتقاد وی را از سیاست حاکم بر سازمان اعلام نمایند رد پای محکم سعادت با سازمانش در بیان مواضع سیاسی او نیز به چشم می‌خورد. اطلاع از آخرین سقوط‌های مجاهدین هنوز در حدی نیست که عمیق انحرافات و خطاهای رهبری سازمان را دریابد. و شاید همین بی‌خبری نیز موجب شده است که سید "هنوز نتواند به تمام قاطعیتی که لازمه برخورد فعال با مسائل بغرنج انقلاب ماست دست یابد. او می‌گوید:

"ما حمایت از لیبرالها را مطلق کردیم" و حداکثر می‌افزاید "فرق است بین یک سازمان انقلابی و مردمی با نیروهای لیبرالی" تو گویی سعادت هنوز ماهیت خطرناک لیبرالها را که هدفی جز به شکست کشاندن انقلاب ندارند، نشناخته است. آیا یک انقلابی در این مرحله از پیشرفت انقلاب می‌تواند از "حمایت" از لیبرالها صحبت کند؟ ایراد در مطلق کردن "حمایت" نیست ایراد در اصل قضیه است.

در حقیقت وصیت‌نامه باند رجوی را افشاء می‌کند و نشان می‌دهد که این باند حتی مواضع اعلام شده در روزهای نخستین بعد از انقلاب را هم مخدوش کرده و قلب ماهیت داده است. آقای رجوی با اعمال خائنانه خود مجاهدین خلق را به روزی نشانده که فقط لیبرال کهنه‌کاری چون "بازرگان" آنها را فرزند مجاهد خطاب کرد.

سید با صداقتی که درخور یک فرزند راستین خلق است می‌گوید:

"برادران! من فکر می‌کنم که ما فریب این حمایت‌های صوری و لفظی قشری از جامعه را خورده‌ایم، حمایتی که قبل از اینکه عمق بقیه در صفحه ۱۸

فرار رجوی

دربورگی نفرت انگیز از امپریالیسم جهانی

اگر رژیم در آستانه سرنوشتی است پس چرا می‌گریزد؟

آقای رجوی به فرانسه گریخته است و این در حالی است که می‌گوید در ایران مردم چنان علیه رژیم به پا خاسته‌اند که رژیم قدرت مهار اعتراضات توده‌ها را ندارد و در آستانه سرنوشتی است دروغ‌گو کم حافظه است آقای رجوی! اگر به راستی مردم بی‌خاسته‌اند و شما هم ضد امپریالیست هستید پس دیگر چرا می‌گریزد؟ پس چرا مردم را تنها می‌گذارید؟ اگر مردم ایستاده‌اند پس چرا شما می‌گریزد؟

مگر شما نبودید که با ردیالانه‌ترین عبارات رهبری حزب توده ایران را متهم می‌کردید که چرا بعد از غلبه رژیم ارتجاعی کودتای ۲۸ مرداد ایران را ترک کرده‌اند پس چرا امروز خودتان با اینکه به دروغ پیروزی بزرگ خط امام بر خط سازش را "کودتای ارتجاعی" نامیده‌اید دو پا داشته‌اید و دو پا هم قرض کرده‌اید با کمک عامل فرار شاه به فرانسه فرار کرده‌اید؟ و عملاً دست دوستی به سوی رضایه‌لوی و بختیار و صدام و دیگر جنایتکاران دراز می‌کنید؟ چگونه است که کثیف‌ترین موجودات روی زمین فرار شما را شادباش گفته‌اند و آماده‌اند برایتان چک سفید بفرستند؟ چه کرده‌اید که رادیو بختیار و دیگر بلندگوهای امپریالیستی برای همکاری با شما سر و دست می‌شکنند؟ پس واقعاً انقلابی هستید پس چگونه است که تمام انقلابیون جهان از شما روی برتافته‌اند و همه ضد انقلابیون ایران و جهان به یاری‌تان شتافته‌اند مگر نه اینکه اگر در بعد از کودتای ۲۸ مرداد هر یک از بقیه در صفحه ۱۲

برادر ابوعمار نفرت؟ چرا به کوبا و دیگر کشورهای سوسیالیستی نفرت؟ چرا به کشوری رفته است که مرکز اصلی فعالیت تمام باندها و گروهک‌های ضد مردمی سلطنت طلب و شاهدوست و ردل‌ترین تفاله‌های رژیم شاهنشاهی در آنجا گرد هم آمده‌اند؟ چرا ایشان مطلقاً نمی‌تواند دست دوستی به سوی هیچ یک از جنبش‌های رها بیخیش و ضد امپریالیستی جهان دراز کند؟ چرا میکروفن بی‌بی‌سی را حلوی دهانش می‌گذارند؟ چرا سر و کله‌اش در مجلات تایم و نیوزویک پیدا شده است؟ چرا یک روزنامه و مجله مترقی و مردمی شناخته شده به سراغ ایشان نرفته است؟ زیرا آقای رجوی با انقلاب مردم ایران دشمنی است و تمام دشمنان انقلاب ایران تمام دشمنان جمهوری اسلامی را دعوت به اتحاد کرده است.

امروز دیگر آنقدر مسائل روشن است که حتی ساده‌اندیش‌ترین مردم ما هم دریافته‌اند که در پهنه این گیتی کدام کشورها و کدام نیروها دوست انقلاب ما هستند و کدام یک دشمن ما برای امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا چه هدیه‌ای از آقای رجوی شیرین‌تر؟ آقای رجوی ضد انقلاب جهانی را به اتحاد علیه انقلاب ایران دعوت کرده است. و این به همان اندازه که شرم‌آور و نفرت‌انگیز است غم‌انگیز و دردناک نیز هست. آقای رجوی مدعی است "ضد" امپریالیست است "اما معلوم نیست چرا محافظین مسلح او از پلیس فرانسه است؟ و چرا گلوله‌های او سینه پاسدارانی را می‌شکافد که صدها و هزارانشان را تا امروز ایادی امپریالیسم جهانی به خاک و خون افکنده‌اند؟ چه کسی می‌تواند باور کند که پلیس فرانسه دوست انقلاب و مردم ایران است؟

انتشار این خبر که رجوی هم با کمک عامل فرار شاه به فرانسه گریخته است چون صاعقه‌ای گنج‌کننده و دردناک بر سر هواداران ساده‌اندیش و ساده‌دل مجاهدین که هنوز هم خوش‌باورانه خیال می‌کردند رهبرشان "ضد امپریالیست" است فرود آمد خبر آنقدر صریح و روشن بود که با هزاران دروغ و تزویر هم لاپوشانی آن امکان‌پذیر نبود. خبر برای هواداران صادق مجاهدین واقعاً گنج‌کننده بود. در حالی که برای هواداران جدید مسعود رجوی برای سلطنت‌طلبان و لیبرال‌هایی که پایگاه امپریالیسم در میهن ما هستند همدستی رجوی با عامل فرار شاه به قصد پسریدن به آغوش امپریالیست‌ها و دشمنی آشکار و کینه‌توزانه با انقلاب و انقلابیون خبری شادی - آفرین و امیدبخش بود.

رجوی نه‌مانده حیثیتی را هم داشت گرو گذاشت و به صف فراریان از انقلاب پیوست رجوی با هزار خود بزرگترین ضربه را به توهمات هزاران هوادار ساده‌دلی زد که هنوز هم خیال می‌کنند چون رجوی از امام "مترقی" تربوده‌است، جمهوری اسلامی با وی دشمنی داشته. فرار رجوی حقایق را چنان آشکار ساخت که دهها مقاله و صدها تفسیر و سند و مدرک هم قادر به بیان آن نبود.

آقای رجوی مدعی است که او ضد امپریالیست است. و رژیم ایران ارتجاعی است. اما ایشان فراموش کرده است توضیح دهد که اگر واقعاً قصد بسیج نیروهای ضد امپریالیست را داشته است پس در فرانسه چه می‌کند؟ چرا به یکی از کشورهای نفرت‌آمیز با امپریالیسم مبارزه می‌کنند؟ چرا به الجزایر نرفت؟ چرا به یمن دمکراتیک و لیبی نفرت؟ چرا فلسطین، سوریه نزد

وقتی مردم ایستاده‌اند

فرار رجوی

بقیه از صفحه ۱۱

رهبران حزب توده ایران به دست هر یک از ایادی امپریالیست‌ها می‌افتادند به جوخه اعدام سپرده می‌شدند؟ چگونه است که امروز شما اولاً رژیم را رژیم کودتا می‌نامید؟ ثانیاً می‌گریزید؟ ثالثاً به آغوش امپریالیست‌ها پناه می‌برید؟ واز همه اینها مضحک‌تر مردم را در آستانه انقلابی به سان انقلاب بهمن ماه ارزیابی می‌کنید؟ این کدام انقلاب است که زمانی که اوج می‌گیرد "رهبران" آن از کشور گریخته‌اند؟ خیرمساله چیز دیگری است - این درست است که انقلاب در حال تعمیق و گسترش است فقط شماره تنها هیچ نقشی در آن ندارد بلکه با جنایتکارانه‌ترین روش‌ها دست در دست امپریالیست‌ها به مقابله با آن برخاسته‌اید.

از اراجیف اخیر آقای رجوی

"فرار رجوی" تقریباً تمام حقایق را با خودهمراه دارد. لاکن برای کسانی که هنوز بهت‌زده وقایع اخیر را هضم نکرده‌اند گوشه‌هایی از برنامه ۷ صبح ۱۲ مرداد رادیو بختیار را نقل می‌کنیم:

"... صدای آزاد ایران با توجه به اصل آزادی جریان اطلاعات و اخبار متن کامل مصاحبه آقای مسعود رجوی با روزنامه لوماتن را به اطلاع شنوندگان خود می‌رساند..."

رجوی: یکی از اولین تصمیم‌هایی که گرفتیم آن بود که موقتاً کشور را ترک و شورای مقاومت ملی در خارج از کشور را تقویت کنیم. منظور این است که گلیه مخالفان در صورتی که راهشان با ما یکی باشد متحد شده و با یک نیروی متشکل و متحد به مبارزه بپردازیم بدیهی است توده‌های ی فرصت طلب در این شورا جایی نخواهند داشت" باورنکردنی است. اما این

راجیف خائنه از دهان مسعود رجوی که خودرا ادامه دهنده راه مجاهدین خلق می‌نامد خارج شده است. ایشان فرار کرده است تا "شورای مقاومت ملی در خارج از کشور را تقویت کند. شورایی که رذل‌ترین و پست‌ترین دشمنان انقلاب ایران هم اکنون در آن گرد آمده‌اند. او تاکید و تصریح می‌کند که منظور این است که "گلیه مخالفان در صورتی که راهشان با ما یکی باشد" (یعنی مبارزه مسلحانه برای سرنگون ساختن جمهوری اسلامی ایران را بپذیرند) متحد شوند و آنچه‌ان که مسلم است همه نیروهای مدافع انقلاب همه کسانی که برای استقلال و آزادی میهن و پیشرفت اجتماعی به سود محرومان جامعه پیکار می‌کنند نه تنها در این شورا هیچگاه جایی نداشته‌اند بلکه همواره مدافعان سرسخت انقلاب و دشمنان سرسخت این باندهای ضدانقلابی بوده‌اند. آقای رجوی با اراجیف خود مشخصاً می‌کوشد خطای فاحش رهبران جمهوری اسلامی را بزدايد که به‌وی "برجسب کمونیستی" زده‌اند. آخر این کار برای جلب اعتماد و حمایت امپریالیست‌ها مطلقاً ضروری است.

آقای رجوی به محض ورود به "دنیای آزاد" اعلام کرده است که "مارکسیست نیست" و این از تهمت‌های ناروایی بوده است که جمهوری اسلامی به وی نسبت داده است اگرخواهیم صادقانه قضاوت کنیم باید بگوئیم که تنها در این مورد است که حق با آقای رجوی است. او نه تنها مارکسیست نیست بلکه او اکنون یکی از دشمنان سوگند خورده مارکسیست‌هاست و بدترین و رکیک‌ترین دشمنان را به مارکسیست‌ها نسبت می‌دهد و این بسیار طبیعی است زیرا بلااستثناء تمام کسانی که به آغوش امپریالیسم غلطیده‌اند مارکسیست‌های واقعی را دشمنان سرسخت خود یافته‌اند. آقای رجوی نیز از

این قاعده مستثنی نیست و نمی‌تواند باشد.

ما بازها کوشیده‌ایم که مقامات جمهوری اسلامی ایران را از این توهم به در آوریم که گویا مسعود رجوی چون تمایلات مارکسیستی دارد با سازشکاران سازش کرده است و علیه انقلاب به پا خاسته است. ما بارها گفته‌ایم که رجوی و خیابانی که رهبری مجاهدین را قبضه کرده‌اند درست به این علت که افکار مترقی خود را کاملاً رها کرده‌اند، چون هر روز وقیحانه‌تر، حادث‌تر و دشمنانه‌تر علیه مارکسیست‌ها سنگرندی می‌کنند، خود را بیشتر و بیشتر به آغوش ضدکمونیست‌های بازار، ارتش و روحانیون سلطنت طلب بسر کردگی امپریالیسم آمریکا می‌اندازند. عمل این آقایان نشان داده است که آنها دیگر امروز فقط برای فریفتن عده‌ای از نوجوانان کم تجربه و کم آگاه و گرفتن پزی انقلابی‌نمایانه گهگاه از واژه‌های مارکسیستی بهره می‌گیرند.

نکته شرم‌آور در عین حال مضحک اینکه رجوی در همین مصاحبه سفیهانه می‌گوید: "امام" بدتر از هیتلر است زیرا هیتلر لاقل برای کشورش مفید بود! "این هم باورنکردنی است اما متأسفانه این هم امروز جزو اعتقادات قلبی آقای رجوی درآمده است.

این داوری آقای رجوی نهایت پستی و دنائت او را می‌رساند. او امام را به این دلیل بدتر از هیتلر معرفی می‌کند تا راه خود را به سوی هیتلری‌های امروز بگشاید و آن را "طبیعی و ضروری" جلوه دهد. به همین دلیل است که مخوف‌ترین جنایات تاریخ، وحشیانه‌ترین نوع قتل عام کمونیست‌های آلمان، اعدام هزاران یهودی بی‌گناه، به راه انداختن دستگاه اهریمنی گشتاپو و از همه مهمتر تحمیل جنگ جهانی دوم که به قیمت قربانی شدن ۵۰ میلیون تن از مردم جهان تمام شد، از نظر آقای رجوی همه از فوائد شمرده می‌شود که هیتلر برای کشوری داشته است.

آیا این زندگی سفیهانه آقای رجوی ظاهراً به قصد آن

نیست که در نظر هواداران ساده‌اندیش همکاری و هم‌دستی آشکار خود را با امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران توجیه کند و بگوید:

"برای سرنگون کردن این مافوق هیتلر باید یک جبهه متحدضدفاشیستی متشکل از تمام مخالفان رژیم تشکیل داد مگر نه اینکه درجنگ دوم جهانی، آمریکا هم برای شکست فاشیسم در جبهه متفقین شرکت داشت"

تعفن این گنداب به حدی است که دیگر غیر قابل تحمل است. تو گویی این آقای "مقاومت می‌کنم" و نخست‌وزیرش می‌خواهند در نظر محصلین هوادار، خود را با سران متفقین همسو سازند تا هم از آنان زهر چشم بگیرند و هم برای همدستی با ریگان بهانه‌تراشی کرده باشند. اما قضیه این دو مجرم فراری حتی از قضیه دن‌کیشوت و نوکرش سانچر هم حقیرتر است. آنها حداکثر خیلی که زرنگ باشند "نوکر بی‌اختیار" دیگری خواهند شد که از سفره "شیطان بزرگ" روزی می‌خورند. (البته بنی‌صدر اخیراً گفته است: "من روی اروپا حساب می‌کنم" و آمریکا را بازهم ظاهراً کنار گذاشت. اما رجوی حتی تا این حد هم از خود "درایت" نشان نداد.)

ببینید بازی‌های سیاسی و قدرت‌طلبی وحشتناک رجوی کار وی را به کجا کشانیده است که می‌گوید امام "از هیتلر بدتر است زیرا هیتلر لاقل برای کشورش مفید بود!" امروز حتی دو آتشه‌ترین نازی‌های آلمان هم جرات دفاع آشکار از این بزرگترین جنایتکار تاریخ را ندارند. حتی در آمریکا هم هنوز فاشیست‌ها برای پنهان کردن نیت خود از مردم این گونه پرده‌داری نمی‌کنند. آقای رجوی مثلاً روی دست همه فاشیست‌های جهان بلند شده و دفاع آشکار از هیتلر را "ضرورت انقلاب" اعلام کرده است.

وقتی باندرجوی - خیابانی ۶ ماه پیش بازداشت صادق قطب‌زاده عنصر مزدور "سیا" را "نشانه اوج‌گیری لجام گسیخته استبداد" نامید ما در نامه خود به

مجاهدین خلق نوشتیم دفاع از این رجاله سیاسی خیلی معنا می‌دهد. و امروز می‌بینیم که در عرض شش ماه، پشتیبانی از قطب‌زاده مشخصاً به پشتیبانی آشکار حتی از هیتلر تبدیل شده است. سقوطی نفرت‌انگیزتر از این را در کجا می‌توان سراغ کرد؟

فدائیان خلق امروز حتی زمانی که به نام جمهوری اسلامی حکم اعدامشان را اجرا می‌کنند قهرمانانسه سینه سپر می‌کنند و از اعتقادات انقلابی خود از ضرورت پشتیبانی از خطاامام در برابر امپریالیسم آمریکا

از ضرورت تقویت این جمهوری در برابر ضدانقلاب زخم خورده و از ضرورت دفاع از میهن انقلابی خویش مردانه دفاع می‌کنند. فدایی واقعی کسی است که به هیچ قیمتی حتی به بهای تمام هستی خویش هم حاضر نیست به ضدانقلاب، به دشمنان خلق، به امپریالیست‌ها و سگ‌های زنجیریش که همگی برای درهم شکستن این انقلاب یورش آورده‌اند گوشه چشمی نشان دهد و قدم از راه بگرداند کاری که امثال رجوی‌ها اصلاً حتی قادر به درک یک گوشه از آن هم نیستند او وقتی منافعش ایجاب کند برای شکست حریف حاضر است به هر پستی که تصور کنید تن دهد. از سیاست‌های ماکیاویستی گرفته تا روش‌های مافیایی از همدستی با قطب‌زاده گرفته تا آستان - بوسی هیتلر زمان. از عضوگیری سلطنت‌طلبان گرفته تا بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی و اخیراً در کوچه و خیابان که چیزی نیست جز اوج تازه‌ای از جنونی ددمشانه. آیا راه رجوی نیز همان است که "بگین" پیمود. کارهای اخیر رجوی ماهیت اقدامات دار و دسته او را به عملیات تروریستی‌های "مناخیم بگین" در فلسطین بسیار نزدیک ساخته است اما تاریخ گواهی می‌دهد که امپریالیسم باید دیگر تبدیل ایران به یک اسرائیل ثانی و یا به هر تقدیر بازگشت ایران به حال سابق را همراه با تمامی تفاله‌های این انقلاب با خود به گور ببرد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

با تقویت تعاونی ها

به مشکلات جوشکاران شهرکرد رسیدگی کنید

جوشکاران شهرکرد در اوایل سال ۵۹ برای کوتاه کردن دست واسطه‌ها در فروش پروفیل و رسیدن به موقع آن، با کمک اداره بازرگانی استان چهارمحال بختیاری اقدام به تاسیس شرکت تعاونی نمودند. کار این تعاونی تاکنون وارد کردن پروفیل و مواد لازم دیگر و توزیع آن بین جوشکاران بوده است. این تعاونی ۱۰۰ عضو دارد در اوایل سال جاری تعاونی‌های جوشکاران شهرکرد اقدام به تشکیل اتحادیه تعاونی‌های جوشکاران نمودند که این اتحادیه از بدو تاسیس مورد مخالفت عمده فروشان آهن و واسطه‌ها قرار گرفت و در وارد کردن پروفیل و مواد دیگر (از کارخانجات اصفهان) نیز دچار اشکال شد گروه صنعتی سپاهان (کارخانه سپاهان) و سیافیل به بهانه‌های مختلف از تحویل پروفیل به تعاونی جوشکاران خودداری کردند. در مواردی کارخانه سپاهان حواله‌های صادره از طرف "کمیته توزیع پروفیل" (مستقر در تهران) را به بهانه عدم پرداخت وجوه لازم عودت داد. هرچند سهمیه پروفیل تعیین شده برای هر جوشکار (۲۵۰۰ کیلو) تکافوی یک‌سوم نیاز آنها را نیز نمی‌نماید و

تحويل این مقدار هم بطور مرتب صورت نمی‌گیرد. با وجود این در بسیاری موارد حواله‌های صادره از طرف کمیته توزیع پروفیل به تعاونی جوشکاران (در و پنجره‌سازان) یا اصلاً پرداخت نشده و یا ناقص و دیر پرداخت شده است. همچنین کارخانه ذوب آهن اصفهان نیز با استناد به اساسنامه خود از تحويل میل گرد و نبش مورد درخواست تعاونی جوشکاران (که برای آن حواله نیز صادر شده بود) خودداری می‌نماید. این مسئله باید از طرف مسئولین مورد توجه جدی قرار گیرد. دولت که سیاست گسترش و تقویت تعاونی‌ها را در چارچوب اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی وظیفه خود می‌داند، باید از یک طرف با کنترل توزیع عمده و حذف واسطه‌ها و عمده فروشان، موجبات تقویت بخش دولتی و همچنین تعاونی‌ها را فراهم سازد و از طرف دیگر با کنترل موثر کارخانجات ملی شده و ملی کردن کارخانجات خصوصی که سرهمکاری با تعاونی‌ها را ندارند یک هماهنگی اصولی در توزیع بوجود آورده و از کارشکنی عناصر لیبرال و ضدانقلابی بطور جدی جلوگیری نماید.

کارگران قندریز شیراز

ما سندیکائی می‌خواهیم

که همه کارگران را

یکپارچه متحد کند

در شیراز دهها کارگاه قندریزی فعالیت دارند. کار این کارگاه‌ها تبدیل شکر به کله قند است در هر یک از این کارگاه‌ها به نسبت ظرفیت دستگاه‌های تبدیل، بین ۴ الی ۱۲ کارگر در شرایطی طاقت‌فرسا در کنار دیگرهای جوشان کار می‌کنند. کارگران مبارز و زحمتکش قندریز در تابستان ۵۹ در اثر مبارزات یکپارچه‌شان موفق به کسب مزایایی از قبیل حق اولاد، حق مسکن، حق خواروبار و... شده بودند اما با آغاز جنگ تحمیلی عراق و محدودیت‌های اقتصادی ناشی از آن، میزان واردات شکر کاهش یافت و در نتیجه با سهمیه بندی شدن این کالا از جانب دولت سهمیه این کارگاه‌ها نیز تقلیل یافت، متناسب با کاهش سهمیه شکر، میزان تولید نیز کاهش یافت و این امر مستمسکی به دست کارفرمایان داد تا مزایای مکتسبه کارگران را از دستمزدشان کسر نمایند. کارگران قندریز که کسب این حقوق و مزایا را محصول مبارزات پیگیرانه‌شان می‌دانند و بر اهمیت مبارزات متشکل خویش اکنون بیش از هر زمان دیگر وقوف یافته‌اند، مصرا نه خواهند تشکیل سندیکای واقعی خود بوده و می‌گویند:

"همانطور که کارفرمایان برای پایمال کردن حقوق کارگران دست به دست هم داده و برای خود اتحادیه کارفرمایی ایجاد کرده‌اند ما کارگران هم برای دفاع از حقوقمان باید سندیکای کارگری داشته باشیم تا همه کارگران را متحد و یکپارچه کند"

کارگران مبارز قندریز اکنون مصممند با تحکیم وحدت خود و درس‌آموزی از تجارب گذشته خویش و تجارب مبارزاتی تشکل‌های کارگری دیگر، در جهت ایجاد سندیکای واقعی‌شان گام بردارند.

ترور و حشیانه ۹ تن از جوانان بسیج

ساواکی و سلطنت طلب، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، مائوئیست‌های آمریکایی لیبرالها، رهبران خیانتکار مجاهدین خلق و قشریون افراطی بقای مسلک، مدافع پیگیر آن هستند.

آیا ترور جوانان بسیج که با جانبازی و فداکاری در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها با امپریالیسم و ایادی داخلی آن می‌جنگند چیزی جز شادمانی امپریالیسم و داغداری مردم رنج کشیده ما را به بار می‌آورد؟

بر اساس آخرین اطلاعات رسیده، پس از نیمه شب ۸ مرداد چندین تروریست مجهز به سلاح‌های سرد و گرم به خوابگاه جوانان بسیج لقمجان حمله کرده و به طرز بیرحمانه‌ای به کشتار جوانان انقلابی دست زده‌اند.

تا کنون ۹ تن از اعضای بسیج شهید شده و در حدود ۲۰ نفر به شدت مجروح هستند. این جنایت تروریست‌ها به دنبال اقداماتی از جمله انداختن بمب در یک مغازه آرایشگاه در شهر لاهیجان و به شهادت رساندن یکی از جوانان مسئول توزیع سیگار در رشت و نظایر این چنین اعمالی در دیگر شهرهای گیلان صورت گرفته است.

"عاملین تروریسم در شرایط امروز میهن ما از هر قماش که باشند، لشکر ضد انقلاب و در راس آنها امپریالیسم آمریکا به حساب می‌آیند"

تروریسم با فجایعی نظیر فاجعه لقمجان به مرحله‌ای رسیده است که درک خیانت‌پیشگی و ددمنشی آن برای تمامی توده‌های ستمکش ما امکان پذیر است.

ما به آن دسته از هواداران سازمان مجاهدین خلق که مدتی با انقلاب بوده‌اند می‌گوییم: آیا باز هم باید اسیر تمایلات اقشار ضدانقلابی و متزلزل و دستورات رهبران خیانتکار خود باشند؟

آیا نمی‌دانید که تمایلات و خواست‌های ضدانقلاب، شما را در جهتی سوق داده است تا به دست شما جوانان انقلابی خلق زجر کشیده ما ترور شوند و آنگاه خود شما هم به پای چوبه‌های دار بروید

آیا تمایلات و خواست‌های سلطنت طلب و اقشار مرفه و سلطنت طلب و اجرای دستورات رهبران فراری خود فروخته، برای شما از زندگی جوانان انقلابی ارزشمندتر است؟ همان جوانانی که همراه با شما تظاهرات کرده‌اند، سنگر کنده‌اند و قیام کرده‌اند؟

ما از سپاه پاسداران و بسیج گیلان می‌خواهیم ضمن نشان دادن پیگیری و قاطعیت برای دستگیری و مجازات عاملین ترور قانون اساسی جمهوری اسلامی را کاملاً رعایت کنند و فراموش نکنند که پایبندی نیروهای انقلاب به قانون اساسی هرگونه توجیهی را برای زیر پا گذاشتن آن افشاء می‌کند.

ما از سپاه پاسداران گیلان و دیگر نهادهای شخصیت‌های انقلابی می‌خواهیم که باند‌ها و عناصری را که به نام دفاع از خط امام اینجا و آنجا مردم را می‌آزارند، از درون ارگان‌ها تصفیه کرده و بشدت مجازات کنند. اینها در مجموع همان کسانی هستند که از یک سو مردم را نسبت به نهادهای جمهوری بدبین کرده و از سوی دیگر با کسب اطلاعات و اخبار و بیرون بردن آنها، ضدانقلاب را برای چنین اعمالی یاری می‌کنند.

برای مقابله با تروریسم باید به توده‌های مردم متکی بود و مردم باید در عمل و تجربه خود عملکرد نیروهای انقلاب را ببینند و در مقابل ضد انقلاب با نیرویی هرچه قدرتمندتر ایستادگی نمایند. ما از صدا و سیمای جمهوری اسلامی در گیلان می‌خواهیم که فعالانه ابعاد فاجعه لقمجان را به مردم بنمایانند. تا مردم هرچه ملموس‌تر ببینند که چگونه رهبران خیانتکار مجاهدین با تکیه بر ناآگاهی بخشی از جوانان، همسوی با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و دیگر ایادی داخلی آن، بیرحمانه فرزندان و جوانان ما را قتل عام می‌کنند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شاخه گیلان نهم مرداد ۱۳۶۰

از میان اعلامیه‌ها و نشریات
شاخه‌ها و هواداران سازمان

حذف غیر مسئولانه کاندیدای سازمان در
انتخابات میان دوره‌ای عملی است
علیه قانون اساسی .

اصفهان - شاخه اصفهان سازمان اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کرده و ضمن اعتراض به حذف کاندیدای سازمان در انتخابات میان دوره‌ای و تأیید قانون اساسی توجه مسئولین امر را به وفادار ماندن در برابر این قانون جلب نموده است . در قسمتی از اعلامیه می‌خوانیم :

" سازمان ما که قانون اساسی جمهوری اسلامی را علیرغم برخی کاستی‌های موجود در آن ، یکی از اساسی‌ترین و مهمترین دستاوردهای انقلاب خونبارمان می‌شناسد پایبندی به آن را جهت تحکیم هرچه بیشتر صفوف خلق در مقابل توطئه‌های نفاق‌افکنانه جریان‌های سازشکار و ضدانقلابی همواره تبلیغ کرده و کلیه نیروهای مردمی را پیگیرانه دعوت به اجرای دقیق آن نموده است . بر مبنای سیاست متعهدانه و مسئولانه و با تأکید بر اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب بود که ما در انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در اصفهان شرکت کردیم ولی با کمال تأسف مسئولان امر بدون توجه به مواد صریح قانون اساسی کاندیدای ما را بی‌هیچ دلیل قانع کننده‌ای از لیست کاندیدهای تأیید شده ، حذف کردند ما بارها تأکید کرده‌ایم که آغاز این گونه سیاست‌های نادرست و حرکات قانون شکنانه‌ای که از طرف برخی از مسئولان امر انجام می‌شود بستر مناسبی است که ضدانقلابیون بتوانند ماهیت جمهوری اسلامی را در اذهان مردم واژگونه جلوه داده و جو اغتشاش و آشوب و ناامنی را دامن زنند . ما ضمن محکوم نمودن این حرکت تنگ‌نظرانه و انحصارطلبانه مسئولان توجه آنها را به پایبندی و رعایت هرچه بیشتر در اجرای قانون اساسی ، به عنوان یکی از اساسی‌ترین و مهمترین دستاوردهای انقلاب خونبارمان جلب می‌نمائیم . این وظیفه مسئولین جمهوری اسلامی و همه نیروهای انقلابی است که به دستاوردهای خونین انقلاب ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقمان عملاً وفادار بوده و زمینه تحکیم کلیه نهادهای انقلابی و مصوبات آنها را از جمله مهمترین و باارزش‌ترین آن ، قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی را فراهم سازند . "

* - به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی

اعلامیه‌ها و تراکت‌های زیادی از سوی شاخه‌ها و هواداران سازمان در شهرستان‌ها به دست ما رسیده که ضمن حمایت از کاندیداهای خط‌امام شرکت در این انتخابات را یک وظیفه انقلابی دانسته‌اند .

از اقدامات شوراهای حل
مشکل بی‌آبی حمایت کنیم .

اسلام‌شهر - در رابطه با کمبود آب در شهرک اسلام‌شهر ، هواداران سازمان طی اعلامیه‌ای ضمن آشناء چهره‌های سرمایه‌دارانی چون حاج‌ناصر ، عباس کاشی و دیگران که با نفوذ در شبکه آب‌رسانی آب مورد نیاز مردم را برای درآمد بیشتر به باغداران می‌فروشد و حمایت خود را از دستگیری حجاج کاشی اعلام نموده و خواستار دستگیری دیگر چپاولگران و مصادره اموال آنها برای تأمین مخارج و تعمیر و گسترش و تحفیه شبکه آب‌رسانی محل شده است .

در پایان اعلامیه رهنمودهایی برای حل مشکل بی‌آبی ارائه نموده است که به قرار زیر می‌باشد :

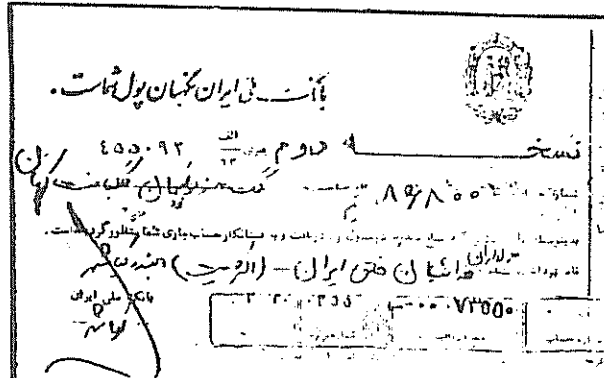
۱- کلیه موسسات آب‌رسانی به نفع دولت مصادره شود و اداره آنها به دست شهرداری سپرده شود .

۲- به دلیل خراب بودن آب محل ، نداشتن املاح معدنی لازم ، دستگاه‌های تصفیه می‌بایستی در محل نصب شود .

این اعلامیه با عنوان " چاره مشکل بی‌آبی مصادره تأسیسات آب‌رسانی به وسیله دولت و نظارت شورایی در اداره آنهاست " منتشر شده است .

* - شاخه گیلان سازمان طی اعلامیه‌ای ترور علی‌انصاری استاندار گیلان را محکوم نمود و برای مقابله با تروریسم این تاکتیک شناخته شده ضدانقلاب خواستار بسیج نیروهای مردمی و انقلابی شده است .

* - هواداران سازمان در بندر کیان‌شهر (حسن‌کیاده) مبلغ ۷۳۵۵۰ ریال برای کمک به زلزله‌زدگان گلیاف به بانک واریز نموده‌اند این کمک همراه با کمک جنسی (ارزاق) همراه بوده است .



از میان نامه‌ها

حرف‌های زحمتکشان

دهقانان روستای "دوله ملال" (از توابع بخش ماسال) خواهان اجرای بند 'ج' و 'د' اصلاحات ارضی شدند

دهقانان منطقه ماسال در استان گیلان ، در رژیم شاه خائن زیر ستم زمینداران بزرگ که عمدتاً از خانواده ماسالی‌ها بودند قرار داشتند این فئودال‌ها با حمایت ارگان‌های ضد خلقی در زمان شاه زمین‌های دهقانان را از آنها غصب نمودند . با اینکه در آن دوران کوچکترین حرکتی از سوی زحمتکشان با سرنیزه گلوله پاسخ داده می‌شد ، دهقانان در جهت بازپس گرفتن حقوق از دست رفته خود به اشکال مختلف دست به مبارزه می‌زدند ولی به خاطر جو خفقان و سرکوب نتیجه‌ای عایدشان نمی‌شد .

اسماعیل ماسالی زمیندار بزرگ ، در زمان حکومت شاه جلاد با حمایت سپهبد سعادت‌مند معدوم ، زمین‌های روستای "دوله ملال" را که حدود ۶۰ هکتار می‌شد ، غصب نمود و دهقانان زحمتکش را از حق طبیعی‌شان محروم ساخت .

حال که مقامات مسئول جهادسازندگی رشت با همکاری مسئولین منطقه دست به تقسیم زمین‌های " میله‌سرا " که توسط زمینداران بزرگ منطقه یعنی حسین ، علی و عباس ماسالی غصب شده بود ، می‌زنند و به دنبال آن دهقانان زحمتکش " میله‌سرا " با دلگرمی و علاقه‌مندی بیشتری سعی در افزایش محصول خود دارند که نتیجتاً به کاهش واردات محصولات کشاورزی از کشورهای سرمایه‌داری خواهد انجامید و گامی است در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم ، دهقانان "دوله ملال" نیز در انتظارند که به خواست‌های برحقشان پاسخ فوری داده شود از اینرو عریضه‌ای تهیه کرده و به دفتر امام ، مجلس شورای اسلامی و جهاد سازندگی استان گیلان ارسال داشته و با صراحت خواهان اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی شده و تأکید کرده‌اند :

" ما کشاورزان دوله‌ملال نیز چشم به راه هیئت هفت نفره می‌باشیم تا مشت محکمی بر دهان فئودال‌های ضدانقلاب بکوبیم و زمین‌های غصب شده خود را پس بگیریم

تصحیح

در شماره پیش در تیتر مقاله " چرا دولت در مقابل وقوع زلزله در اشنویه و روستاهای گردنشین اطراف آن سکوت اختیار کرده است " به جای عبارت گردنشین اشتباه‌ها گودنشین چاپ شده است که بدین وسیله تصحیح می‌شود .

اخبار شهرستانها

عوامل فتودال فراری

روستائیان را به گلوله بستند

شهرکرد - عوامل " مصباح فاطمی " فتودال فراری ، با توطئه و ایجاد درگیری یکی از افراد زحمتکش روستای هارونی را به قتل رساندند و عده‌ای را به سختی مجروح کردند . مصباح فاطمی که پسر از مصادره زمین‌هایش به وسیله بنیاد مستضعفان متواری شده توطئه‌های خود را از طریق حاج فرهاد ، حاج سهراب و نیاز امینی به اجرا درمی‌آورد . چندی پیش که انتخابات شرکت تعاونی و شورای ده برگزار شد آنان کوشیدند در این دو محل نفوذ کنند اما مردم با انتخاب نمایندگان خود ، این توطئه را نقش بر آب کردند . به دنبال شکست در انتخابات ، افراد نامبرده در روستا درگیری به وجود آوردند که منجر به دستگیری ۵۰ نفر از طرفین شد . در میان دستگیرشدگان حاج سهراب امینی و حاج نیاز مقصرین اصلی بودند که متا سفانه پس از ۲۰ روز از زندان آزاد شدند . عوامل فتودال فراری در تاریخ ۱۸ تیر ۶۰ با عده‌ای از افراد مسلح به روستائیان زحمتکش حمله کردند و یکی از روستائیان به نام " عزیزقلی رضایی " را به ضرب گلوله زخمی کردند و سپس ورنه " تبر " به قتل رساندند عده زیادی نیز مجروح شدند که حال یکی از آنان وخیم است . در جریان درگیری ، پاسگاه ژاندارمری محل اقدام جدی به عمل نیاورد و سپاه پاسداران ، با وجود شناسایی عوامل اصلی درگیری برخورد قاطع و انقلابی از خود نشان نداد . زحمتکشان روستای هارونی شهرکرد که تا کنون طومارها و شکایات زیادی نوشته‌اند خواهان محاکمه این جنایتکاران و اقدامات انقلابی سپاه پاسداران می‌باشند . در پایان یادآور می‌شویم که حاج فرهاد امینی بعد از انقلاب مدافع تیمسار مدنی و مؤسس دفتر هماهنگی بنی‌صدر بوده که از طریق " عزت امینی " نماینده " مصباح فاطمی " در روستای اسداباد اسلحه گرفته است . حضور این عناصر مسلح ضدانقلابی در منطقه می‌تواند پایگاهی برای فعالیت فتودال‌ها و ضدانقلابیون باشد .

به وضع شورای سرپرستی جهاد

سازندگی میان دوآب رسیدگی کنید

میان دوآب - در اواسط تیرماه اعضاء جهاد سازندگی میان دوآب به عنوان اعتراض به شورای سرپرستی جهاد دست از کار کشیدند . به دنبال این اقدام هیاتی جهت رسیدگی به میان دوآب اعزام شد اما به جای رسیدگی به شکایت اعضاء جهاد سازندگی از آنان امتحان ایدئولوژیک به عمل آورد و سرانجام اظهار داشت عناصر

ضدانقلابی !! در جهاد نفوذ کرده‌اند اعضاء جهاد سازندگی میان دوآب که اقدامات مؤثری برای زحمتکشان انجام داده‌اند ضمن اعتراض به نحوه عمل هیئت اعزامی ، خواستار تغییر شورای سرپرستی هستند . افراد شورای سرپرستی متهم به حیف و میل و عدم صلاحیت شده‌اند که در صورت اثبات این اتهام باید از کار برکنار شوند .

خوانین و ضد انقلابیون در سمیرم

دست به خرابکاری و کشتار می‌زنند

سمیرم - خوانین و فتودال‌های وردشت که دشمنان سوگند خورده، عشایر و دهقانان زحمتکش منطقه می‌باشند ، تلاش دارند با توسل به بهانه‌های مختلف اوضاع منطقه را متشنج سازند و زمینه را برای اجرای توطئه‌های شوم خود فراهم سازند .

عصر روز شنبه ۶ تیرماه حاج فتحعلی نرهای از ضدانقلابیون معروف منطقه به همراه ایادی خود و رئیس پاسگاه مهرگرد در چهار دهکده به روستائیان ضد فتودال و زحمتکش یورش می‌برند و در یک مورد در حضور رئیس پاسگاه یکی از معلمین هوادار سازمان را به شدت کتک می‌زنند . او این کار را تحت پوشش تعقیب برای یافتن دزدان گوسفندان خود انجام می‌دهد . به هنگام نیمه شب فریبرز علی‌مردانی ، عامل حاج فتحعلی نرهای به همراه چند نفر دیگر در ده حیدرآباد دست به حمله و یورش می‌زنند که یک نفر کشته می‌شود . با کشته‌شدن این شخص ، درگیری مسلحانه بین خوانین و دهقانان زحمتکش گسترش پیدا می‌کند و تا ساعت ۶ صبح روز یکشنبه چهار نفر کشته و تعدادی مجروح می‌شوند .

پاسگاه مهرگرد پسر از این واقعه اقدام به دستگیری حاج فتحعلی نرهای و دیگر مسبین این حادثه می‌کند ، ولی رئیس پاسگاه که از ضدانقلابیون منطقه حمایت می‌کند ، با دستگیری رئیس دادگاه سمیرم که فردی است به نام نیلی و از حامیان شناخته شده فتودال‌های منطقه می‌باشد ، دستگیر شدگان را آزاد و دهقانان انقلابی را به عنوان قاتل کشته شدگان واقعه اعلام می‌کنند .

سپاه پاسداران و جهاد سازندگی که از دهقانان انقلابی حمایت می‌کنند و نیز هواداران سازمان در منطقه با تنظیم شکایات دهقانان و تهیه طومار و دیگر اقدامات لازم ، نهادهای انقلابی و مسئولین استان را در جریان واقعیت امر قرار می‌دهند .

با توجه به احساس مسئولیت ارگان‌های انقلابی و آگاهی آنان از توطئه‌های ضدانقلابیون در این منطقه ، امید می‌رود که به زودی خوانین و عواملشان دستگیر و مجازات شوند .

* عده‌ای از اعضاء و هواداران حزب آمریکائی رنجبران تحت حمایت سید نصرالدین حیدری به کوه‌های دالاهو و بزمیرآباد کرمانشاه فرار کرده و در پی ارتباط گرفتن با سایر ضدانقلابیون می‌باشند . اسامی تعدادی از مزدوران فراری عبارتست از : سیاوش کرم ، جلال حیدری ، امجد ، همایون فرخی و یونس حیدری .

اخبار کردستان

در طول هفته‌های اخیر ، باند قاسملو دستجات ضدانقلابی و گروهک‌ها فعالیت ضدانقلابی خود را توسعه بخشیده‌اند .

رهبری مجاهدین خلق در تلاش جهت تشکیل به اصطلاح جبهه متحد انقلاب که از چپ‌روترین گروهک‌ها تا سلطنت‌طلبان از آن حمایت می‌کنند از مدت‌ها قبل همکاری گسترده‌ای را با باند قاسملو و سایر گروهک‌ها آغاز کرده است . رادیوی باند قاسملو بخشی از برنامه‌های خود را به قرائت اطلاعیه‌های مجاهدین و بنی‌صدر اختصاص داده است . در این رادیو که به درستی از آن می‌توان تحت عنوان صدای جبهه ضدانقلاب یاد کرد اعلامیه‌های رهبری مجاهدین ، اعلامیه‌های ارتش ملی ایران و سایر جریان‌های ضدانقلابی قرائت می‌شود و در عوض نیروهای انقلابی مورد کینه‌توزانه‌ترین اتهامات قرار می‌گیرند . اعضا و هواداران سازمان ، حزب توده ایران و پیروان کنگره چهارم ، مرتب از طریق این رادیو تهدید شده و علیه آنها شایعه‌سازی می‌شود .

اکنون در اغلب شهرها و روستاهای کردستان حضور تبلیغی مجاهدین چشمگیر است . قسمت عمده این تبلیغات توسط افراد باند قاسملو و عناصر وابسته به سایر گروهک‌ها صورت می‌گیرد . آخرین اخبار حاکی است که مجاهدین در روستای میسرآباد (بین پیرانشهر - سردشت) و شهرک ریسط (نزدیک سردشت) مقر زده‌اند . همچنین گروهک مجاهدین کردستان که از دو سال پیش در حوالی بانه فعالیت مسلحانه داشته‌اند با پیوستن تعدادی از عناصر فراری مجاهدین بدانها فعال شده‌اند در میان هواداران مجاهدین در کردستان تعداد زیادی از عناصر طرفدار احمد مفتی‌زاده

روحانی مرتجع کردستان ، دیده می‌شوند . در حال حاضر مجاهدین با باند قاسملو از نظر تهیه سلاح و مهمات رابطه بسیار حسنه‌ای دارند علاوه بر این در سطح گسترده‌ای از بازارهای قاچاق اسلحه کردستان که انواع سلاح‌ها در آن به فراوانی وجود دارد اقدام به خرید سلاح نموده‌اند . قسمتی از این سلاح‌ها به سایر شهرهای ایران حمل شده است .

سقز

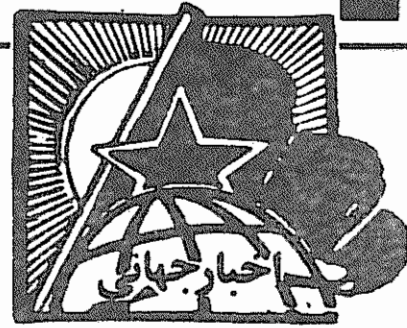
علیرغم شایعات منتشر شده توسط باند قاسملو مبنی بر اینکه در روز انتخابات شهرمورد حمله قرا خواهد گرفت ، در روز انتخابات شهر آرام بود و مردم بطور فعال در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند . در سقز حدود هجده هزار رای به صندوق‌ها ریخته شد که نسبت به جمعیت شهر، آراء بسیار قابل ملاحظه و چشمگیری است . دار و دسته قاسملو در این روز از ورود روستائیان به شهرها جلوگیری نمودند . همزمان با برگزاری انتخابات در مسیر جاده سقز - بانه درگیری‌های سختی میان نیروهای ارتش و سپاه پاسداران با نیروهای باند قاسملو و سایر گروهک‌ها روی داده است .

پس از ترور چند نفر از مسئولان دولتی در سقز ، ناامنی و تشنج در شهر افزایش یافته

بقیه در صفحه ۱۷

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم



موج جدید
سرکوب
و

اختناق در پاکستان

موج جدیدی از ترور و سرکوب در پاکستان جاری است و رژیم ضد مردمی و مستبد ضیاءالحق در برابر نارسائی‌های اقتصادی - اجتماعی به حربه اختناق و زندان دست یازیده است. در بلوچستان بیش از ده نفر از فعالین سازمان دانشجویی بلوچ به جوخه اعدام سپرده شدند و از ۲ مارس (رمان هواپیمارایی اخیر توسط طرفداران بوتو) تاکنون بیش از ۶۰۰ نفر به دلائل سیاسی دسگیر شده‌اند. جرم این افراد مبارزه برای اعاده دموکراسی و حقوق دموکراتیک و در بعضی موارد دفاع از انقلاب افغانستان بوده‌است. اخیراً بخشی از کادرهای رهبری حزب کمونیست پاکستان که در بند رژیم ضیاءالحق بوده‌اند در دادگاه‌های فرمایشی نظامی محاکمه و به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شدند. رفیق جسم‌ساقی عضو کمیته مرکزی که مدت‌هاست تحت شکنجه و آزار در قلعه مخوف لاهور قرار گرفته بود در این بیدادگاه به ده سال زندان محکوم شد. جالب توجه است در جریان هواپیمارایی اخیر به دست نیروهای ضد ضیاءالحق وی در لیست ۵۵ نفری بود که قرار بود توسط رژیم پاکستان در ازای آزادی هواپیما آزاد و به دمشق فرستاده شوند لیکن رفیق جم ساقی به همراه ۵ رفیق دیگرش از آزادی بدینگونه سرباز زد و گفته بود:

من به اندازه کافی شکنجه شده‌ام و دیگر از شکنجه هراسی ندارم. جای من در وطنم و در کنار مردم است. حزب کمونیست پاکستان (C-P-P) در بیانیه‌ای ضمن محکوم ساختن این عمل غیر انسانی رژیم دیکتاتوری ضیاءالحق از کلیه نیروهای مترقی منطقه و جهان خواستار محکومیت این اعمال گردیده است. در زیر خلاصه این بیانیه درج می‌گردد:

... محکومیت رفقا جم ساقی و جمال نعقری اعضای کمیته مرکزی حزب به همراه همزمانشان رفیق سهیل سنگی (روزنامه‌نگار ۲۶ ساله) رفیق عمار لعل (از رهبران جنبش دانشجویی ۲۲ ساله)، رفیق شبیرشار (هنرمند ۲۵ ساله) و احمد کمال واری، توسط حکومت ضیاءالحق را محکوم می‌نماییم. این رفقا که از میهن پرست‌ترین افراد این ملت هستند به خاطر آرمان‌هایشان یعنی مبارزه در راه دموکراسی، صلح و محو سلطه امپریالیسم و استعمار نو بر کشور و کوشش به خاطر برقراری جامعه‌ای عادلانه و خالی از استعمار به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شده‌اند (رفیق جم ساقی به ۱۰ سال حبس محکوم شده است) امروزه در پاکستان هزاران کارگر، نویسنده حقوقدان، دانشجو، روزنامه‌نگار و... به جرم آزادیخواهی در بند جلااد خلق ژنرال ضیاءالحق بسر می‌برند لیکن این غل و زنجیرها نمی‌تواند لحظه‌ای فکر مبارزه علیه امپریالیسم استعمار نو و هرژمونیک‌های چینی را از مخیله مبارزین کمونیست دور گرداند.

... رژیم ضیاء اینک نه تنها اختناق و سلطه‌پذیری را بر مردم پاکستان تحمیل کرده است، بلکه در منطقه به عنوان ژاندارم امپریالیسم به‌ویژه بر علیه همسایگان از بند رسته پاکستان به توطئه‌چینی مشغول است و در این

(ترجمه از عصر جدید، ارگان هفتگی حزب کمونیست هند)

دولتی رخ داد. همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شایعه درگیری قریب‌الوقوع از جانب باند قاسملو در سطح شهر پخش شده بود. عده زیادی از افراد مسلح وابسته به باند قاسملو در روز انتخابات وارد شهر شده بودند اما حضور و مراقبت پاسداران و برخورد هوشیارانه آنها، نقشه‌های ضدانقلاب رانقش بر آب کرد. روز انتخابات شرکت چشمگیر مردم در انتخابات برای ضدانقلاب غیر منتظره بود. مردم از اولین ساعات بامداد در صف‌های طویل برای رای دادن حاضر بودند. نیروهای سازمان ما و حزب توده ایران و کنگره چهارم در تشویق مردم به شرکت در انتخابات نقش قاطع داشتند. باند قاسملو جهت ایجاد درگیری و تشنج در شهر تلاش می‌کند آنها شبانه به محل استقرار نیروهای دولتی حمله می‌کنند و در تبلیغات خود سقوط جمهوری اسلامی ایران را قریب‌الوقوع نشان می‌دهند. در میان مهاجمین افراد وابسته به مجاهدین خلق نیز حضور دارند. آنها همراه با افراد باند قاسملو در درگیری‌ها شرکت کرده و اعلامیه‌های خود را نیز در سطح شهر پخش می‌نمایند. علاوه بر این تعدادی از افراد وابسته به نیروهای مترقی توسط باند قاسملو از منازلشان ربوده شده‌اند.

بانه

همزمان با افشاء و عزل ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری کشور، باندها و دارودسته‌های ضدانقلابی فعال در کردستان و آرمه در بانه هماهنگ با سایر جریان‌های ضدانقلابی سراسر کشور بر ابعاد درگیری‌ها و تشنج در منطقه افزودند. آنها در چندین مورد با سلاح‌های

سیک و سنگین به محل استقرار سپاه و کمیته‌ها و خودروها و گشتی آتش گشودند که در نتیجه تعدادی از افراد سپاه و مردم عادی شهر به شهادت رسیدند که در میان آنها چند کودک خردسال نیز بوده است. اما علیرغم این تلاش‌ها انتخابات در دوم مردادماه برگزار شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت.

تهدیدها و هواداران سازمان توسط باند قاسملو شدت گرفته است. طی روزهای گذشته شش نفر از هواداران سازمان در روستاهای اطراف بانه توسط باند قاسملو ربوده و زندانی شده‌اند. از سرنوشت این رفقا اطلاع دقیقی در دست نیست. اینگونه اعمال از جانب باند قاسملو و سایر گروهک‌های ضد - انقلابی در شرایطی علیه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در کردستان صورت می‌گیرد که برخی از مسئولین دولتی، بخصوص بعضی از حکام شرع دادگاه‌های انقلاب برخلاف روح پیام اول بهمن‌ماه امام خمینی که تمام مردم را به آشتی و اتحاد فرامی‌خواند، هواداران سازمان را که جزء پیگیرترین نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند با اتهامات واهی به جوخه اعدام می‌سپارد. وصیت‌نامه رفقا عادل اسکندری باسط احمدی و نامه رفیق خسرومائی که در پای جوخه اعدام همچنان استوار و بی‌تزلزل از دفاع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به دفاع برخاسته‌اند، همچون اسناد تاریخی بسیار با اهمیت به نشانه حقانیت راه ما برجای خواهد ماند و سند محکومیت کسانی است که با تنگ‌نظری و انحصارطلبی حتی حق زندگی و مبارزه و شهادت در راه انقلاب را از رفقای ما سلب نموده‌اند.

بقیه از صفحه ۱۶

اخبار...

است. منازل مردم مرتب موردسرقه قرار می‌گیرد و ضدانقلاب این اعمال را به ارگان‌های دولتی نسبت می‌دهد در چند مورد توسط ضد - انقلاب بر خودروها و محل استقرار سپاه پاسداران با نارنجک حمله شده است. اعضاء و هواداران سازمان و حزب توده و پیروان کنگره چهارم از طرف باند قاسملو تهدید به ترور و ربودن شده‌اند.

طی چند روز گذشته یازده نفر از پیشمرگان مسلمان کرد با سلاح‌های خود به باند قاسملو پیوسته‌اند. پس از این واقعه تعداد زیادی از این افراد توسط سپاه پاسداران خلع سلاح شدند در میان افسران و درجه‌داران پادگان سقز عناصر ضدانقلابی فعالیت دامن‌داری را آغاز کرده‌اند. وضع این پادگان بسیار نگران‌کننده و هشدار دهنده است. عدم واقع بینی در برخورد با مشکل کردستان از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران و متوقف ساختن تلاش‌های صلح که از چندی قبل آغاز شده بود، مساله کردستان را به مشکل پیچیده انقلاب ایران تبدیل کرده است.

مه‌باد

در یک ماهه اخیر اوضاع مه‌باد بطور کلی متشنج بود. در این مدت درگیری‌های متعدد در داخل شهر و روستاهای اطراف بین باند قاسملو، کومه‌له و سایر گروهک‌ها با نیروهای

وقتی مردم ایستاده‌اند

وصیت نامه سعادت...

انقلابی و توحیدی داشته باشد، عکس‌العمل عاطفی ناشی از گرایش غیر انقلابی و طبقاتی قشر حمایت کننده است.

و درست فردای همان روز، مصداق بارز گفته محمد رضا سعادت است. توسط رجوی عرضه می‌گردد! زیرا او توسط یکی از همین "حمایت کنندگان جدید" سازمان، یعنی یک افسر سلطنت طلب و ضدانقلابی مستقیماً از مخفیگاهش در تهران به پاریس فرار داده می‌شود. همان افسری که قبلاً شاه را از ایران فرار داده بود!

آقای رجوی در طول این مدت تا توانست در بین هواداران تحت لوای "حمله به اپورتونیسیم راست" علیه نیروهای انقلابی لجن پراکنی کرد. او یکی را بیشرمانه "امت‌نویس مجیزگوی" خواند، دیگری را وقیحانه "خائنین وابسته" نام نهاد سازمان ما را "نادمیسن اکثریتی" نامید. همه آنها را همراه با رژیم حاکم (منهای بنی‌صدر و دار و دستاهش) زیر عنوان "نیروهای راست" در "جبهه متحد ارتجاع" جا داد!

سعادت، دریافته بود که اصلی‌ترین استدلالی که باند رجوی به خورد هواداران می‌دهد تا آنها را به همسویی با امپریالیسم و اتحاد با لیبرالها بکشاند لزوم مقاومت برای جلوگیری از سلطنت است. به اصطلاح "دیکتاتوری" است و به همین دلیل در وصیت‌نامه خود، هوشیارانه بی‌پایه بودن این استدلال را نشان می‌دهد.

سعادت که آخرین بهانه رجوی را شناخته، پیشاپیش می‌گوید:

"شاید مطرح کنید که این ما نبودیم که این صحنه را گشودیم، بلکه بر ما تحمیل گشت" و خود در جواب فاطمانه می‌گوید اگر می‌خواستید می‌توانستید به تحمیل ندهید.

و این در حالی است که باند رجوی که سازمان را به اینجا کشانیده است در اعلامیه سیاسی - نظامی می‌گوید از این پس هرگونه تحمیلی را "بطور مضاعف" پاسخ می‌گوید و مسئولیت آن

را تماماً برعهده به اصطلاح "ارتجاع" می‌اندازد. سعادت که عمیقاً از اوضاع پدید آمده متأثر است دلسوزانه می‌گوید:

"ما احتیاج به یک تجدید نظر اساسی در خط مشی‌مان داریم" و آقای رجوی برای اینکه نگذارد چنین شود به محض پناه گرفتن در آغوش امپریالیسم از تمام بوق‌های امپریالیستی اعلام می‌کند:

"جنگ از فرانسه! ادامه خواهد یافت ما اینجا آمده‌ایم که مقاومت را سازمان دهیم"

سعادت در آخرین لحظات زندگی‌اش به گونه‌ای کاملاً "صریح و روشن" از امام خمینی و نقش غیر قابل انکار او در انقلاب و تداوم آن سخن می‌گوید:

برادران عزیزم! در پایان این وصیت مجبورم نظرم را خیلی صریح و روشن در مورد امام خمینی مطرح کنم. برادران! امام خمینی در شرایط کنونی تاریخ میهن عزیزمان مظهر خشم توده‌های محروم ایران و حتی منطقه، علیه غارتگری‌ها و جنایات جهانخواران است. برادرانم! چرا این خشم را تقویت نکنیم و چهره خندان امام خمینی را برای خود و برای توده‌ها طلب نکنیم. برادران! امپریالیست‌ها و مزدوران داخلی آنها به شدت از این خشم انقلابی وحشت دارند، بورژوازی در داخل و سایر نیروهایی که برای امپریالیست‌ها سفره پهن می‌کنند، تلاش می‌کنند تا این مظهر را از بین ببرند و یا ضعیف‌کنند. برادران! ما نباید بمانند لیبرالها برخورد کنیم، فرق است بین یک سازمان انقلابی و مردمی با نیروهای لیبرال

* * *

بدون تردید، در تاریخ پیش از انقلاب سازمان مجاهدین خلق، بنام قهرمان‌های بزرگ و فراوانی برمی‌خوریم اما آن قهرمانی‌ای که سعادت از خود نشان داد، بی‌شک در نوع خود بی‌نظیر بوده است. سعادت گرچه بسیار دیر هنگام ولی باز هم به هنگام گام‌های عظیمی را جهش‌وار برداشت تا راه را بر رزمه آنان

بقیه از صفحه ۱۱

سالمی که در پیش رو داشت نشان می‌داد که ترس از مرگ در تصمیمات وی نقشی نداشته است؟

یک لحظه فکر کنیم، دشمنان مردم، سرمایه‌داران بزرگ، فئودال‌ها و دیگر زخم‌خوردگان از انقلاب در این موضوعات چه خواهند گفت؟ آنها در وحله اول تمام نیروی خود را بکار می‌گیرند که نشان دهند انشعابات و تغییر موضع‌ها، تصحیح انحرافات و خطاهای عناصر و نیروهای انقلابی همه و همه دروغ است ضدانقلاب داخلی و بلندگوهای امپریالیستی به هنگام انشعاب در سازمان ما تا توانستند دروغ سرهم کردند و به خورد مردم دادند که اکثریت و اقلیت هر دو کمونیست هستند یکی شاخه نظامی است و دیگری شاخه سیاسی است و دیگر هیچ اختلافی با هم ندارند تمام حربه‌های ریاکارانه بکار افتاد تا اینطور وانمود کنند که اصلاً انشعابی رخ نداده و اکثریت و اقلیت دروغ است و سازمان کلاً در خط اقلیت است. روزنامه انقلاب اسلامی که گردانندگانش امروز با اقلیت بسیار احساس الفت می‌کنند آن روزها اکثریت را متهم می‌کردند که گویا اینها هم اقلیتی هستند، اما رو دربار حزب دمکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم) هم زیاد بافته‌اند.

اما واقعیت، از آن آشکارتر بود که این بهتان‌های کینه‌توزانه بتوانند دوام بیآورند زمانی که مردم به تجربه دیدند اقلیت از مقوله دیگری است و اکثریت نیرویی است مدافع سرسخت انقلاب، سازمانی است که با قهرمانی‌های میهن - پرستانه‌شان در جبهه‌های جنگ و با وفاداری‌شان به خواست‌های حقه زحمتکشان در زمره فداکارترین انقلابیون قرار دارند، تمام تبلیغات دروغی - امپریالیستی نقش بر آب شد. اما بعد از این شکست صد انقلاب همیشه داستان دیگری سرهم بندی می‌کند. آنها به شیوه‌ای کاملاً لجوجانه می‌کوشند اینطور وانمود سازند که گویا گروه گروه عناصری که توهمات خود را درهم می‌سکنند، شجاعانه از خود انتقاد می‌کنند و به آغوش خلقشان باز می‌گردند، همه از روی ترس

که می‌خواهند مجاهد واقعی در راه خلق باقی بمانند، بگشاید. و به همین دلیل او شایسته افتخار آمیزترین دروذهایی است که باید نثارش کرد. سعادت، دیگر نمی‌میرد زیرا که هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ما به هواداران صادق مجاهدین خلق، به همه کسانی که بر اثر تبلیغات دروغین لیبرالها و دیگر کسانی که از مردم نیستند، و هنوز هم به خیانت مسعود رجوی پی نبرده‌اند، به همه دوستانی که فرار بنی‌صدر رجوی هنوز هر دو چشمشان را باز نکرده است توصیه می‌کنیم روی یکایک کلماتی که "سید" برای بیان درد خود برگزیده است، مکث کنند باز هم حقایق بیشتری در لابلای کلمات او نهفته است.

ترفند محیلانه

امپریالیسم را افشاء کنیم

سعادت می‌گفته است به این دلیل به تلویزیون نیامده است که این توهم پیش نیاید که گویا آنچه می‌گوید نه از سر اعتقاد، بلکه برای نجات جان است. به نظر ما اگر "سید" اینطور حساب کرده باشد، قطعاً حساب درستی نکرده است. زیرا کسی که واقفاً به حقانیت نظراتش اعتقاد داشته باشد اگر کسی واقفاً معتقد باشد که صدا و سیما جمهوری اسلامی وسیله‌ای در دست انقلاب و جمهوری اسلامی است آنگاه این بسیار طبیعی است که از بکارگیری این تریبون‌ها برای بیان نظرات و ایده‌های خود مددگیرد و به توده‌ها اثبات نماید خطا از کسانی است که با متحدان واقعی خود رفتار غیر دوستانه دارند. ممکن است عده‌ای که ساید هم نه حدان قلیل باشد، در این فکر شوند که نکند "سید" بریده و از ترس جان بسازد. تلویزیون آمده است؟ چه یاک؟ گذار اینها باز هم یاره‌سرای می‌کنند. مگر نه اینکه تحریر و زمان دواهرم نیرومندی است که می‌تواند هر یاره‌ای را به ضد خود بدل سازد؟ آیا امکان نداشت که "سید" طی

و برای فرار از خط اعدام و زندان و غیره است مگر به یاد نداریم که چندین ماه انبان توخالی یاره‌های ضدانقلابی بلندگوهای امپریالیستی پر بود از اینکه تغییر خط مشی و دیدگاه‌های سازمان ما نسبت به رژیم جمهوری اسلامی به خاطر آن بوده است که گویا سازمان کمتر مورد حمله رژیم قرار گیرد. و در این میان بنیاد اعتقادات و نظرات سازمان نسبت به انقلاب و مضمون آن، نسبت به نظم سیاسی موجود، نسبت به رهبری انقلاب و آینده آن تغییری نیافته است در مورد سعادت نیز همین یاره به‌صور گوناگون، امروز بر سر زبان‌های عناصر ضدانقلاب خواهد چرخید.

وقتی سعادت در رسانه‌های گروهی رسماً از انقلاب و از مردم دفاع می‌کرد همه آنها ابتدا تلاش می‌کردند اینطور وانمود سازند که اصل قضیه و تبلیغات "دستگاه" تماماً دروغ است و سعادت اجباراً به تلویزیون آمده است. اما وقتی ضدانقلاب در این مبارزه شکست خورد قطعاً دروغ دیگری سرهم خواهد کرد و خواهد گفت: "سعادت ترسید اعدام شود وضعف! نشان داد" این رابه این دلیل در این مقاله مورد تاکید جدی قرار می‌دهیم که مسلماً با روشن شدن حقایق و ضربات مهلکی که بر توهمات نیروهای هوادار جریان‌های چپرو وارد آمده است در روزها و ماه‌های آتی این نیروها در جریان تصحیح بنیادی برداشت‌هایشان از واقعیت‌های اجتماعی زیر فشار شدید این گونه‌تلیفات قرار خواهند گرفت. توسل به این سم‌پاشی‌ها به تاکتیک اصلی ضدانقلاب برای حفظ نیروهای چپرو در صف ضد انقلاب بدل خواهد شد آگاهی بر این ترفند امپریالیستی و افشای آن می‌تواند ضربات سنگینی بر این تبلیغات وارد آورد نباید فرصت این تحریکات باز هم عده‌ای را به اشتباهاتشان ترغیب و وادار نماید و بیشتر سقوطشان دهد جمهوری اسلامی با صدور حکم اعدام برای "سید" نیز نه تنها هیچ سودی نبرده است، بلکه مشخصاً زیان دیده است. اگر این حرف "سید" واقفاً جدی باشد که می‌گوید:

بقیه در صفحه ۱۹

وقتی مردم ایستاده‌اند

فرار بنی صدر...

بقیه از صفحه ۱۰

می‌فهماند که زمینه برای انجام اقدامات بنیادین به سود طبقات زحمتکش جامعه و تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلاب در راستای خلقی آن مساعدتر گردیده است. باید با تمام نیرو تلاش ورزید که چنین شود. انقلاب اکنون می‌تواند و باید در جهت خواست‌های بنیادین توده‌های زحمتکشی که بار اصلی انقلاب را به دوش می‌کشند سمت‌گیری کند و این است تمام آنچه که اکنون باید برای تثبیت این پیروزی تحقق یابد.

"من ایستاده‌ام؟" یا مردم ایستاده‌اند؟

افشای بنی صدر و فرار او نشانه بارز رشد آگاهی توده‌هاست همه می‌دانند که فرار بنی صدر به دلیل آن نیست که دستگاه پلیس سیاسی جمهوری اسلامی چنان است که بنی صدر را در مخفیگاهش هم می‌توانست شناسایی کند همه می‌دانند که چنین نیست. بنی صدر از مردم می‌ترسید که او را بشناسند و دستگیر کنند

مائوئیست‌های امریکایی زیر علم بنی صدر جمع شدند همه با این هدف که چرخ انقلاب را از حرکت بازدارند و جلوی تحقق اهداف آن را بگیرند. لاکن نیروی پرتوان و توفنده خلق این بار نیز بنی صدر را به زیر کشید و توطئه روی کار آوردن "دولت میان‌رو" را در نطفه خفه کرد. با "فرار شاه فاز اول انقلاب به پیروزی رسید با سقوط بازرگان فاز دوم انقلاب آغاز شد آیا به راستی امروز "فرار بنی صدر" آغاز فاز سوم انقلاب است؟ واقعیات حکم می‌کند که این فاز شروع شود و انقلاب را در راستای خلقی آن گسترش دهد. اگر "فرار شاه" سلطه دیکتاتوری جابرانه پلیسی را درهم شکست و آزادی را نوید داد، "فرار بنی صدر" هم می‌تواند این انقلاب را در جهت برآورد خواست‌های توده‌های محروم و زحمتکش جامعه حرکت دهد بزرگ مالکی و کلان - سرمایه‌داری را درهم شکند و عدالت اجتماعی را گسترش دهد. تغییر تناسب نیروها که نشانه آن "فرار بنی صدر و بنی صدری‌ها" است به ما

دوم مرداد به او فهماند که قضیه از قرار دیگری است. مردم همه رفته‌اند رای داده‌اند آن هم نه به بنی صدر، به خط امام به خطی که تا امروز انقلاب را رهبری کرده است. استقبال چشمگیر مردم از انتخابات نشان داد که آگاهی مردم به حدی رسیده است که خود به تنهایی می‌توانند دوست‌را از دوست‌نمایان تمیز دهند دوم مرداد به ضدانقلاب، به همه کسانی که کوشیده‌اند در مقابل انقلاب بایستند فهماند که جایی در این کشور ندارند. بنی صدر نیز پس از دوم مرداد با فرار

همان مردمی که یک سال و نیم پیش به او رای دادند. اما از یک سال و نیم پیش تا امروز هم مردم تغییر کرده‌اند هم بنی صدر. مردم فقط تا زمانی می‌گفتند "حمایت می‌کنیم" که بنی صدر هنوز آشکارا در مقابل انقلاب نفی‌ایستاد و علیه دستاوردهای آن برنخاسته بود. این نشانه بارز رشد آگاهی مردم است. بنی صدر باور نمی‌کرد که میلیون‌ها مردمی که به او رای دادند با این شتاب از وی روی برگیرند و بگویند "مرگ بر بنی صدر" مردم عوض شده‌اند، رشد کرده‌اند می‌فهمند. مردم نشان داده‌اند دیگر اجازه نمی‌دهند کسی بیاید رئیس جمهور بشود بعد آهسته آهسته عناصر ضدانقلاب، مشکوک و ناشناخته و فرصت طلب را، که طرح سرنگونی انقلاب را در سر می‌پرورند به دور خود جمع کند انقلاب و دستاوردهای آن را بی‌اعتبار سازد و مردم را به شمرات مبارزات خود بدبین نماید. کسی بر سر کار بماند که دست دوستی به سوی دشمنان داخلی و خارجی انقلاب دراز می‌کند. بنی صدر که بعد از انقلاب به ایران آمده بود با مهارت و زیرکی خاصی موفق شد از طریق نگفتن حرف‌های مردم را بفریبد. با بهره‌گیری بسیار ماهرانه از نقطه‌ضعف‌های دیگران اعتماد مردم را به خود جلب کند و در این کار موفق بود. مردم واقعا در یک ساله اول حکومت او با جان و دل از وی حمایت می‌کردند. اما اشتباه اساسی او این بود که نفهمید اگر او برگردد مردم از او بخواهند گشت. زیرا که انقلاب آنان را بیدار کرده است. او تمام "حقه‌های فرنگی" خود را به کار گرفت تا مردم را بفریبد و آنان را نیز به دنبال خود بکشاند اما جز میلیشیای مجاهدین، جز مشتکی مائوئیست‌های خیانت - پیشه و آنارشیت‌های نادان و از پشت پرده جز سرمایه‌داران بازار و خوانین و روسای عشایر از قماش دستمالچی‌ها و خسروخان‌ها هیچ کس به میدان نیامد و زمانی که مردم به میدان آمدند دریای خشمی پر خروش و مصمم علیه بنی صدر را به نمایش گذاشتند بنی صدر می‌گفت "من ایستاده‌ام بازارها را ببندید" مقاومت کنید "اما جمعه

خود به مردم فهماند که او نیز متوجه قضیه شده است. مردم نیز با ۱۳ میلیون رای یکپارچه به بنی صدر و شرکا فهمانیدند که صفوفشان غیرمعمول تمام تلاش‌های تفرقه‌افکنانه در برابر ضد - انقلاب و امپریالیسم متحد و یکپارچه است. آری وقتی "مردم ایستاده‌اند" جایی برای کسانی نیست که می‌کوشند سمت خلقی و ضد - امپریالیستی انقلاب را کند و یا منحرف سازند. آری وقتی مردم ایستاده‌اند بنی صدرها فرار می‌کنند درست به همان گونه که مرم بپاخاستند و شاه گریخت.

بقیه از صفحه ۳

خاطره شهدای...

بدانیم " برآورده می‌سازند. مردم ایران هر روز بیش از پیش، به صحت این اصل اساسی، که شهید منتظری آن را به قیمت نزدیک به دو دهه مبارزه‌اش با آمریکا و ایادی آن به دست آورده بود، پی می‌برند. ما یکبار دیگر خاطره شهدای فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران را گرامی می‌داریم و از همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری می‌خواهیم که در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و تفاله‌های آن صفوف خود را فشرده‌تر سازند.

ویارانش را در مبارزه ضد امپریالیستی جاری‌شان، با تمام وجود و با اندوه فراوان احساس می‌کنند، اما با حضور بیش از پیش در صحنه که در چهل روز گذشته از خود نشان داده‌اند و نیز با آگاهی افزون تری که از امپریالیسم و توطئه‌هایش و نیروهای خط سازش در طول همین مدت به دست آورده‌اند، آرزوی شهید محمد منتظری را که می‌خواست همه مردم ایران این اصل اساسی را در نظر داشته باشند که: "آن چه را که آمریکا دوست ندارد باید مورد نفرت ما باشد و آن چه را آمریکا از آن به بدی یاد می‌کند، باید قدرش را

بقیه از صفحه ۱۸

وصیتنامه سعادت...

حقوق و اخلاقی داراست از لحاظ سیاسی به سود جمهوری تمام نشده است زیرا تغییر دیدگاه‌های سید سلما او را به یکی از یاران و هواداران صدیق این انقلاب بدل می‌کرد و جمهوری اسلامی خود نیز با انتشار وصیت‌نامه بر صحت این تغییرات انگشت نهاده است خود را از یک یار و هوادار انقلاب محروم ساخته است. چرا اجازه دهیم که از مجرای این اقدامات غیر قابل دفاع انبان دشمنان ما از خطاهای ما هر چه بیشتر انباشته گردد آیا اعدام سعادت عملی تمکین به سیاستی نیست که از گرویدن نیروها به جمهوری اسلامی نه تنها شادمان نمی‌شود، بلکه نگرانی و هراسش نیز افزون می‌گردد.

" بدین علت اعدام شده که حاضر نشده است در مصاحبه تلویزیونی شرکت کند (حرفی که هیچ دلیلی تاکنون جدی بودن آن را مورد تردید قرار نداده است) آنگاه ما خواهیم گفت که جمهوری اسلامی نیز با اعدام سعادت مرتکب اشتباه فاحشی شده است آیا زنده ماندن سعادت نمی‌توانست مشت محکمی بر دهان یاوه - گویانی باشد که می‌کوشند مساله را طور دیگری جلوه دهند ؟ آیا زنده ماندن سعادت نمی‌توانست تأثیرات بسیار جدی‌تری روی تصحیح برداشت‌های هواداران صادق مجاهدین داشته باشد ؟ به نظر ما پاسخ به این سئوالات کاملاً مثبت است اعدام سعادت جدا از نقطه ضعف‌هایی که از نظر منطقی



" آیا انقلاب مردم در تداوم خود به اهداف نهایی دست خواهد یافت ؟ آیا قادر است با طرد کامل سازشگران و فرصت‌طلبان با توطئه‌هایی که از جانب امپریالیسم صورت می‌گیرد مقابله نماید ؟ "

از اعلامیه سازمان به مساحت " فرار شاه " دیماه ۵۹

ترور وحشیانه ۹ تن از جوانان بسیج لقمجان

نشاندهنده حداعلاى ورشکستى سیاست رهبران خیانتکاری است که مدعى بقاومت بوده ولی در حقیقت فرارى هستند .

به دنبال واقعه جنایتکارانه لقمجان که منجر به شهادت ۹ تن از افراد بسیج گشت شاخه گیلان سازمان اعلامیه‌ای در تشریح و محکوم نمودن این عمل صادر نمود که عینا به چاپ می‌رسد:

در آستانه برگزاری روز قدس همزمان با حملات هوایی صهیونیست‌ها به اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی و کشتار وحشیانه بخشی از فرزندان قهرمان و مبارز خلق فلسطین، ضد انقلاب با تاکتیک شناخته شده تروریسم به کشتار جوانان بسیج "لقمجان" (از توابع لاهیجان) دست زده است .

بقیه در صفحه ۱۳

روز قدس ، روز همبستگی با خلق فلسطین با شکوه هر چه تمامتر برگزار شد

تا کی باید قدس شما زیر چکمه تفاله‌های آمریکا و اسرائیل غاصب پایکوب شود؟

امام خمینی :

هان ! ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی بپاخیزید

توده‌های مردم :

برپا برپا با مسلسل‌ها : سوی اسرائیل ، سوی آمریکا

● اعضاء و هواداران سازمان در تهران و تمامی شهرهای ایران در مراسم بزرگداشت روز قدس شرکت کردند .
در صفحه ۲

با تمام توان به یاری آسیب دیدگان زلزله بشتابیم

اعضاء و هواداران خود به ویژه آنان که در نقاط زلزله زده و یا نزدیک به آن قرار دارند می‌خواهد که در اسرع وقت و با تمام توان و امکانات به یاری هم میهنان آسیب دیده بشتابند .

فدائیان خلق ایران (اکثریت) خود را در مصائب هم میهنان زلزله زده شریک می‌دانند و به مردم قهرمان ایران و امام خمینی این فاجعه دردناک را تسلیت می‌گویند .

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ مردادماه ۱۳۶۰

متحمل می‌شوند بیش از هر چیز نتیجه فقر و محرومیت ناشی از غارت امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده آمریکا در میهن ماست . این مصیبت در شرایطی رخ داده است که خلق قهرمان ما با تمام وجود درگیر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و تفاله‌های آن هستند و از همین روست که همه مردم آگاه و همه طرفداران انقلاب باید با تمام قوا به یاری آسیب دیدگان زلزله بشتابند و نیروها و امکانات خود را در اختیار نهادهای مردمی و دولتی قرار دهند .
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه

بار دیگر زمین لرزه شدیدی در گوشه‌ای از میهن انقلابی ما جان هزاران تن از هم میهنان محروم ما را گرفته و هزاران تن را مجروح و بی‌خانمان ساخته است .

مردمی که در زلزله کرمان جان و هستی خود را از دست داده‌اند، مثل توده‌های محروم دیگر نقاط میهن ، در اثر دهها سال سلطه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن ، به زندگی در خانه‌های نامناسب و گلی ناگزیر بوده‌اند ، در اثر زلزله اخیر خسارت‌های جانی و مالی زیادی دیده‌اند مصائبی که هر چند گاه مردم ایران در اینگونه حوادث

تنگرام دانشجویان هوادار سازمان در انگلستان به حضور امام خمینی

در صفحه ۵

با اجرای بندج و د
توطئه‌های رنگارنگ
زمینداران بزرگ و
فئودال‌ها را درهم شکنیم

ایجاد مراکز خدمات گامی مثبت در جهت تحقق خواست‌های زحمتکشان روستائی و عشایر

● مراکز توسعه فعالیت‌های کشاورزی به منظور نوسازی ، بهزیستی ، بهداشتی ، صنعتی ، فنی تحقیقاتی و فرهنگی در روستاها ایجاد شده است ایجاد این مراکز در افزایش تولید محصولات کشاورزی و همچنین بهبود شرایط زندگی زحمتکشان روستایی و عمران و نوسازی روستا نقش مهمی ایفاء خواهد کرد .

در صفحه ۹

کتابخانه خانوادگی
زندان فدائیان
فدائیان خلق (اکثریت)
به دانشوران گل کشور
در صفحه ۱۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر